

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) چرا در انتخابات ریاست جمهوری به آقای رجائی رأی می دهیم؟

در صفحه ۳

درباره قانون فعالیت احزاب...

آیت و همفکرانش کوشیدند آزادی فعالیت های سیاسی را زیر علامت سؤال
برند. اما با مخالفت اکثریت نمایندگان روبرو شدند.

در صفحه ۱۴

اعلام جرم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره اعدام غیرقانونی رفیق یعقوب یزدانی

در صفحه ۴

اعدام دو سرمایه دار بزرگ

که به دستور امریکا علیه جمهوری اسلامی توطئه می کردند
کوخ نشینان را شادمان
و امپریالیسم امریکا را عزا دار کرد

در سحرگاه روز دوشنبه ۲۲ تیرماه با حکم دادگاه انقلاب اسلامی مرکز کریم دستمالچی
و احمدجواهریان از سرمایه داران بزرگ، تاجران عمده و غارتگر بازار اعدام شدند.
کریم دستمالچی و احمدجواهریان در راه استثمار، غارت و بردگی خلقهای ایران و
جهان توسط امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا دست و زبان و گوش و
چشم امریکای جنایتکار بودند.

آنها در اجرای نقشه های امپریالیسم امریکا و شکست انقلاب خونبار مردم ایران به
ناآرامی های سیاسی دامن می زدند، برای گسترش موج خشونت و ترور، مزدور اجیر
می کردند، مردم را به قیام مسلحانه علیه جمهوری ترغیب و تشویق می کردند،
پشتیبان و همکار دستجات مسلح ضدانقلابی بودند و در رهبری جریان های امریکائی
نظیر جبهه ملی و حزب خلق مسلمان قرار داشتند.

اعدام مبارک و فرخنده کریم دستمالچی و احمدجواهریان، کوخ نشینان را شادمان و
امپریالیسم امریکا را عزا دار کرد.
اقدام دادگاه انقلاب اسلامی مرکز در اعدام کریم دستمالچی و احمدجواهریان
مورد پشتیبانی قاطع ماست.

در انتخابات میاندوره ای مجلس فعالانه شرکت کنیم

سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" در انتخابات
میاندوره ای مجلس شورای اسلامی نیز شرکت می کند
و به نوبه خود همه نیروهای میهن پرست و مردمی را به
شرکت فعال در این انتخابات دعوت می کند. در
شماره قبل در باره مشخصات رئیس جمهور و
کاندیدائی که امروز صلاحیت اشغال مقام ریاست
جمهوری را داراست، گفتیم. سازمان ما به کسی رأی
خواهد داد که بنا به تجربه چندساله اخیر دیده
باشیم که نزدیک ترین کاندیدای ریاست جمهوری به
خط امام است. در شماره قبل توضیح دادیم که چرا
سازمان و سایر جریان های انقلابی درست نیست که
هر یک کاندیدای جداگانه معرفی کنند.

تفاوت سیاست اصولی و غیر اصولی

در انتخابات میاندوره ای مجلس، ما ترکیبی از
مجموعه نیروهای وفادار به انقلاب را انتخاب و
معرفی خواهیم کرد. بنابراین در لیست مورد نظر
سازمان علاوه بر نام رفقای فدائی خلق "اکثریت" نام
کاندیداهائی اعلام خواهد شد که وفاداری آنان به
انقلاب و خلق و دشمنی آنان با امپریالیسم و مبارزه
آنان در راه مردم زحمتکش در عمل اثبات شده باشد.
انتخابات مجلس با انتخابات ریاست جمهوری
متفاوت است. در انتخابات رئیس جمهوری فقط یک
نفر انتخاب می شود، بنابراین باید دید در تناسب
بقیه در صفحه ۲

به مناسبت سالروز درهم شکستن کودتای نوژه

کارنامه «ناپلئون بنی صدر» تهی کردن ارتش از شور و اهداف

انقلاب ■ پس از شکست توطئه

امریکائی طبع و کودتای
نوژه، به محض اینکه نیروها و
شبکه های از ضدانقلاب فعال و سازمان یافته مورد تهاجم
سراسیمه نیروهای خط امام قرار گرفت، بنی صدر با شعار
عدم تضعیف ارتش از تصفیه بسیاری از فرماندهان وابسته و
ضدانقلاب جلوگیری کرد و تا آنجا که توانست آنها را
تحت حمایت خود قرار داد و فرماندهانی چون سرلشکر
باقری را تطهیر و حمایت نمود و عملاً مانع کشف و نابودی
کامل شبکه های ضدانقلاب در ارتش گردید.

در صفحه ۱۰

متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم!

در انتخابات میان دوره‌ای مجلس فعالانه

صفحه از صفحه ۱

نشان می‌دهد اما قلب او با امریکاست چرا که طرفدار سرمایه‌دار و فئودال است و سنگ آنها را به سینه می‌زند، ثانیاً مطابق ویژگی انقلاب ما این مجلس در بسیاری موارد هنوز دچار تناقض و تردید است. هر چند که با افشاء شدن تدریجی عناصر مشکوک و فرصت طلبی که خود را به خط امام چسبانیده‌اند و پوشش اسلام را وسیله‌ای برای مقابله با هر نوع گرایش مترقی و میهن‌پرستانه قرار داده‌اند، زمینه برای تصحیح گرایشات قشری و غیرواقعی بین در مجلس فراهم‌تر می‌گردد. اکنون دیگر دلایل روشنی در دست است که عناصری چون آیت و همفکرانش که ظاهراً خود را خط امام اعلام می‌کنند ولی در تمام موارد از موضعی ارتجاعی به میدان می‌آیند، در این مجلس آینده‌ای ندارند. بر عهده نیروهای ترقیخواه و اکثریت مجلس است که نشان دهند نصیب اینان از این مجلس نیز همان است که تا امروز نصیب لیبرالها شده و می‌شود اما با این حال هنوز تمایلات قشری و تنگ‌نظرانه، تردید در تاکید بر ضرورت وحدت همه نیروهای مدافع انقلاب و اعلام همبستگی با مدافعان آن در مقیاس جهانی در مجلس ضعیف نیست. تنها اقلیت کوچکی در مجلس در این زمینه‌ها موضعی حدوداً واقع‌بینانه اتخاذ کرده‌است. مبارزه در راه حل تناقضات و تردیدهای بسیاری که در کار مجلس است، اهمیتی جدی دارد. با تاکید مجدد بر این حقیقت که این گرایشات به هیچ وجه ماهیت مردمی و ضدامپریالیستی حاملین آن را پنهان و یا منتفی نمی‌سازد، مجلس یک نهاد مردمی و ضدامپریالیستی است و باید یک نهاد ضدامپریالیستی و مردمی باقی بماند. نهادی که رکن اساسی این جمهوری است و باید رکن اساسی آن باقی بماند. انقلاب اگر بخواهد عقب ننشیند، باید پیش برود و پیشرفت آن نیز چیزی نیست جز پیگیری در ادامه پیکار علیه امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم امریکا، برآورده کردن اساسی‌ترین خواست‌های مردمی که خون دادند و انقلاب کرده‌اند و اکنون نیز به دفاع از آن کمر بسته‌اند. امروز مجلس شورای اسلامی ایران مهم‌ترین و نیرومندترین سنگری است که می‌تواند و باید پاس‌خگوی این نیاز اساسی باشد. مسیری که امروز انقلاب ما می‌پیماید و سرنوشتی که بدان دست می‌یابد، امروز با مسیر و سرنوشت مجلس شورای اسلامی عمیقاً گره خورده‌است.

چرا شرکت در انتخابات یک وظیفه مبرم انقلابی است؟

به این دلایل و با این منطق است که گفته‌ایم و می‌گوئیم شرکت فعال در انتخابات مجلس یک وظیفه مبرم انقلابی است. بکشیم تا با شرکت هرچه فعال‌تر در انتخابات، مجلس را در راستای مردمی و ضد امپریالیستی آن تقویت کنیم. شرکت در انتخابات میان دوره‌ای مجلس که عده قابل ملاحظه‌ای از نمایندگان (۵۲ نفر) طی آن برگزیده می‌شوند، می‌تواند و باید نقش بسیار حساس و مهمی را در مهم‌ترین مسائل کنونی میهنمان ایفاء نماید.

۱- تقویت مجلس شورای اسلامی و به‌ویژه نیروهای ترقیخواه آن.

۲- تضعیف بیش از پیش دسته‌بندی لیبرالها در مجلس که می‌کوشند مجلس را از راهی که خدمت به مصالح مردم است، بازدارند.

۳- از میان بردن جو خشونت و تروری که امپریالیسم و ایادی آن به آن دامن می‌زنند و تثبیت قانون اساسی و اجرای کامل آن و هدایت نیروها به مبارزات قانونی.

۴- مشروعیت حق فعالیت سیاسی، بیان عقاید و دیر ازادی‌های سیاسی و تثبیت این حقوق (که در شرایط کنونی بر اثر فعالیت مخرب گروه‌های منحرف و هرج و مرج طلب و بهره‌گیری محافل قشری و تنگ‌نظر از این فعالیت مخرب و زیانبار آنان به مخاطره افتاده است).

باردیگر توجه مقامات جمهوری اسلامی را به این واقعیت جلب می‌کنیم که به سود انقلاب و به سود جمهوری اسلامی ایران است که جو خشن و مرعوب کننده کنونی از میان برداشته شود تا مردم اطمینان بقیه در صفحه ۳

مجلس رکن اساسی این جمهوری است

رئیس جمهور مخلوع بنی‌صدر مدعی بود " مجلس باید خود را با رئیس جمهور هماهنگ کند" و این نشانه‌درک بسیار غلط و خودخواهانه وی از قانون اساسی است. در رژیم‌های استبدادی است که مجلس چون فرمایشی است، ابزار بی‌اراده‌ای در دست قوه مجریه و دولت است. در غیر این صورت این رئیس جمهور است که باید خود را با مجلس هماهنگ کند. در این جمهوری رئیس جمهور، رئیس قوه مجریه و قوه مجریه مجری قوانینی است که مجلس شورای اسلامی وضع می‌کند. مجلس شورای اسلامی عالی‌ترین نهاد منتخب مردم است. این مجلس مهم‌ترین نهادی است که با پیروزی بزرگ انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلق ما بر رژیم منفور و وابسته به امپریالیسم شاه بنیان‌گزارده شده‌است.

قدرت مجلس و تبعیت قوه مجریه از قوه مقننه نشانه و مظهر حضور مردم در صحنه است.

اگر به تاریخ مبارزات خلقمان نگاه کنیم، می‌بینیم در تمام سالهای دیکتاتوری و استبداد، مجلس آلت دست بی‌اراده دولت بوده‌است. مجلس در این سالها اصلاً اختیاری نداشته و هیچ کار مهمی هم انجام نداده و صرفاً مجری فرمان "همایونی" بوده‌است. در تمام دوران سلطنت رضاخان مجلس واقعا هیچ‌کاره و مترسک بود. از کودتای ۳۲ تا ۲۵ سال بعد باز هم همه‌کاره شاه بود و مجلس واقعا مجلس خیمه‌شب‌بازی بوده‌است. تاریخ این سالها، تاریخ یک‌تازی شاهان بود حال آنکه از بدو مشروطیت تا مجلس پنجم و در دوران مبارزات ملی کردن صنعت نفت و حکومت ملی دکتر مصدق این مجلس بود که تصمیم می‌گرفت. مجلسی که تا حد معینی بیانگر اراده و خواست و تمایل ملت بود.

در این جمهوری مجلس یک مجلس فرمایشی نیست، یک مجلس واقعی است. این یک ادعا نیست. آنچه در یکسال و اندی اخیر در مجلس گذشت، پشتوانه قاطع این داور ماست. این مجلس، مجلسی است که می‌تواند و باید رئیس جمهور و حتی تمام قوه مجریه را از مقام خود به‌زیر کشد در حالیکه نه شخص رئیس جمهور و نه قوه مجریه هیچ‌کدام چنین حقی ندارند و نباید داشته باشند و اگر داشته باشند، غیر دمکراتیک و استبدادی است. رکن اساسی جمهوری اسلامی ایران مجلس شورای اسلامی است نه شخص رئیس جمهور.

مجلس مهم‌ترین نهاد مردمی و ضد امپریالیستی این جمهوری است

مجلس شورای اسلامی دستاورد بسیار گرانبه‌تر انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک خلق ماست. مجلس شورای اسلامی بیانگر اراده و بینش حاکم و مسلط بر این انقلاب است. ترکیب غالب مجلس، ترکیبی ضد امپریالیستی و مردمی است. لذا مجلس شورای اسلامی یک نهاد ضد امپریالیستی و مهم‌ترین نهاد ضد امپریالیستی و مردمی جمهوری اسلامی است. مطالعه یکایک لوایحی که در یکسال گذشته از تصویب مجلس گذشته است، مطالعه سوابق اکثریت مطلق نمایندگان مجلس و مواضعی که هر یک در یکساله اخیر اتخاذ کرده‌اند، بررسی ترکیب طبقاتی نمایندگان مجلس و پیوندهای اجتماعی آنان همه و همه نشان می‌دهد که بینش غالب بر مجلس شورای اسلامی ایران و سیاست اکثریت نمایندگان، بینش و سیاستی ضد امپریالیستی و مردمی است. مجلس پیرو خط امام خمینی است. اکثریت نمایندگان مجلس کسانی هستند که در سالهای حکومت شاهنشاهی به طرفداری و تحت رهبری آیت‌الله خمینی علیه رژیم استبدادی مبارزه کرده‌اند. اکثر آنان برخاسته از طبقات محروم جامعه‌اند. با این همه ترکیب مجلس شورای اسلامی اولاً یک دست نیست و اقلیتی در آن رخنه کرده‌است که لیبرال و سازشکار است و به انقلاب و اهداف آن اعتقادی ندارد. اقلیتی که ظاهراً خود را با مردم

قوای فعلی، در جبهه نیروهای ضد امپریالیستی چه کسی می‌تواند و باید رئیس جمهور شود؟ اما در انتخابات مجلس، عده‌ای را برمی‌گزینیم و به همین لحاظ می‌توان و باید ترکیبی را معرفی کرد که معرفت شرکت همه نیروهای مدافع انقلاب باشد.

ما برای دیگر نیروهای میهن‌پرست و مردمی نیز اتخاذ چنین سیاستی را اصولی و صحیح می‌شماریم. متأسفانه برخی از مقامات جمهوری اسلامی با اینکه در مواضع ضد امپریالیستی و صداقت آنان در این مواضع نمی‌توان تردید کرد، از طرق مختلف و با استفاده از حربیه‌های گوناگون نام دیگران را از لیست کاندیداها حذف می‌کنند و یا موجبات عدم شرکت آنان را در انتخابات فراهم می‌آورند. نمونه حذف غیرقانونی کاندیداها سازمان ما در انتخابات میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی در تبریز آشکارا نشان داد که چگونه در این جمهوری هنوز کسان بسیاری یافت می‌شوند که نه به قانون وفادارند و نه صلاح و مصلحت خلق را در نظر می‌گیرند و نه اساساً منافع و مصالح خود را درک می‌کنند.

اما سازمان ما درست بخاطر نشان دادن انحرافات و زیان‌های این سیاست انحصارگرانه روش عکس را به کار می‌گیرد. سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" روش خود را در تنظیم لیست کاندیداها بر روش‌های غلط انحصارطلبانه مبتنی نخواهد کرد. سازمان ما سهم دیگران را در این جنبش ضد امپریالیستی به رسمیت می‌شناسد.

تجربه حوادث اخیر به‌ویژه اقدامات بسیار مخرب رهبری سازمان مجاهدین و اتخاذ روش‌های خشونت‌بار از جانب آنان (که بهترین توجیه را برای یک‌تازی عناصر قانون‌شکن ارگان‌های حکومتی فراهم آورد و حربه‌ای شد برای عکس‌العمل‌های انجام‌گسیخته) نشان می‌دهد سیاستی که رهبران سازمان مجاهدین تحت پوشش مبارزه با انحصارطلبی پیش گرفتند، نه تنها روش مبارزه با انحصارطلبی نبود بلکه همسوئی آشکار با امپریالیسم و محافل ضد انقلابی بود. پیگیری در ادامه سیاست اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی بهترین طریق مبارزه علیه هر نوع سیاست انحصارطلبانه و تفرقه‌جویانه است. انقلابی پیشرو کسی است که روش خود را در برخورد با متحدان خود در مبارزه علیه امپریالیسم و ایادی آن بر اشتباهات و انحرافات آن متحدان استوار نسازد و این نکته‌ای است که رهبران مجاهدین تا امروز نه آن را فهمیده‌اند و نه خواسته‌اند که آنرا بفهمند. و وضعیت غم‌انگیزی که این رهبران امروز برای سازمان مجاهدین به وجود آورده‌اند، دقیقاً نتیجه فرصت‌طلبی‌ها، کج‌روی‌ها و اشتباهاتی است که خود مرتکب شده‌اند.

ما بسیار متأسفیم از اینکه آقای مسعود رجوی و موسی خیابانی سازمان مجاهدین را به جایی کشیده‌اند که امروز در شرایطی که خلق برای مقابله با تجاوز صدام و توطئه‌های دشمن خونخوار خلق، امپریالیسم امریکا و ایادی داخلی آن بیشترین نیاز را به نیروی رزمنده و جوان مجاهد دارد، در شرایطی که می‌توان با شرکت فعال در انتخابات و پیشبرد سیاست اتحاد تمام نیروهای خلق اولاً به تمام دشمنان انقلاب نشان داد که چگونه مردم در صحنه‌اند و از انقلاب هم حمایت می‌کنند، ثانیاً گام مثبت و موثری در راه تصحیح مناسبات میان نیروهای ضد امپریالیستی و تخفیف تشنج و هرج و مرج برداشت، هزاران هوادار صادق این جریان سرگردان و سردرگم و بهت‌زده از فاجعه‌ای که رهبری سازمانش آفریده‌است، خود را با مهم‌ترین مسائلی که در میهنش می‌گذرد، بیگانه‌یابند و بیش از پیش به گذشته‌ای که پیموده‌اند و سرنوشتی که در پیش دارند، بیاندیشند. این واقعا تاسف‌بار است که امروز بخشی از جوانان پرشور و صادقی که نیرویشان نیروی انقلاب و خلق است، بر اثر یک رهبری فاجعه‌آفرین نه در جبهه‌های جنگ میهنی حضور دارند و نه در پیکارهای انتخاباتی برای گزینش رئیس جمهوری و بخشی از نمایندگان مجلس! این وضع واقعا تاسف‌بار است!

اطلاعیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) چرا در انتخابات ریاست جمهوری به آقای رجائی رای می دهیم

بقیه از صفحه ۲

در انتخابات میاندوره‌ای ...

بایند که این انتخابات می‌تواند در خدمت حاکمیت قانون و تأمین امنیت اجتماعی و قضائی قرار گیرد. آیا این قابل درک نیست که مقابله اصولی و جدی دولت جمهوری اسلامی با قانون شکنی‌ها، با هرج و مرج کاری‌ها و افراط کاری‌ها که جوی مرعوب‌کننده (نه فقط برای دشمنان و توطئه‌گران علیه انقلاب و جمهوری اسلامی بلکه برای اکثریت مردم) ایجاد می‌کند، شور و اشتیاق و علاقه مردم به شرکت در انتخابات را صدچندان می‌کند. چه چیز مطلوب‌تر از اینکه دشمنان خلق ما ببینند که مردم همانند گذشته استوار و پایدار به دفاع از انقلاب و این جمهوری ایستاده‌اند؟

سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" در سراسر ایران در انتخابات ریاست جمهوری فعالانه شرکت می‌کند و تمام نیروهای مترقی، میهن‌پرست و مردمی را به شرکت فعال در این انتخابات دعوت می‌کند. سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" در انتخابات میاندوره‌ای مجلس شورای اسلامی شرکت می‌کند و در سراسر ایران می‌کوشد کاندیداهائی را معرفی و یا مورد پشتیبانی قرار دهد که در مبارزه علیه امپریالیسم و ایادی داخلی آن مواضعی قاطع و شناخته شده داشته باشند که علیه خط سازش و لیبرالیسم و به سود محرومان و اقشار زحمتکش جامعه مبارزه کنند. کاندیداهائی که در عمل، کار تصویب لوایح بنیادین را که بخصوص در این دور مجلس می‌بایست لزوماً به تصویب رسند را تسریع نمایند. سیاست دولت و مجلس در ترمیم سریع گرسی‌های خالی و انجام انتخابات میاندوره‌ای که تقریباً بلافاصله بعد از شهادت ۲۷ نماینده مجلس در اثر انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی صورت می‌گیرد، برای مقابله با کارشکنی‌های لیبرالها و مخالفان و از اکثریت انداختن مجلس، اقدامی بموقع، کارساز و هشیارانه بوده است زیرا اکنون مجلس شورای اسلامی با وظایف خطیری روبروست. همانگونه که آقای هاشمی رفسنجانی در آستانه سالگرد مجلس یادآور شد:

"کارهای بنیادین مثل قانون احزاب، مالکیت زمین... لایحه بودجه، معاملات زمین و مسکن، لایحه مطبوعات، لایحه شوراها، پاکسازی، لایحه ملی کردن تجارت خارجی" (جمهوری اسلامی ۴ خرداد). جزو اهم وظایفی است که هم‌اکنون مجلس بدانها مشغول است. چنانچه نقش قاطع مجلس در خلع بنی‌صدر و تعیین و هدایت دولت و تنظیم و ابلاغ سیاست‌های اساسی حاکم بر کشور را در نظر آوریم، چنانچه این واقعیت را درک کنیم و بفهمیم که چگونه پس از امام یگانه نهادی که می‌تواند در تنظیم و تدوین و تنقیح قوانین و سیاست‌های حکومت در برابر امپریالیسم و ارتجاع داخلی نقش قاطع و تعیین‌کننده ایفاء نماید، مجلس شورای اسلامی است، هرگاه خوب درک کنیم که یکی از مهم‌ترین طرق حفظ قوام و دوام حمایت بالفعل مردم از انقلاب و از جمهوری اسلامی، حمایت آنان از مجلس شورای اسلامی است، آنگاه اهمیت شرکت فعال در انتخابات میاندوره‌ای و اهمیت نتایج انتخابات ۵۲ نماینده جدید برای مجلس را بهتر خواهیم فهمید.

یکبار دیگر عموم هم‌میهنان را به شرکت در انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات میاندوره‌ای مجلس شورای اسلامی و ریختن آرا به سود لیست جامع کاندیداتوری سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" که هدف آن تقویت مواضع نیروهای رادیکال در مجلس شورای اسلامی است، دعوت می‌کنیم. این لیست بلافاصله بعد از انتشار اسامی کاندیداهای حائز شرایط در سراسر ایران از سوی سازمان انتشار خواهد یافت.

هم‌میهنان مبارز!

در آستانه انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات میاندوره‌ای مجلس شورای اسلامی قرار گرفته‌ایم. تجدید انتخابات ریاست جمهوری حاصل پیشرفت مبارزه علیه خطی است که می‌خواست شعار "مرگ بر آمریکا" فراموش گردد. خطی که با جریانات لیبرالی، مشکوک و سلطنت-طلب باب مراد و دوستی و هم‌پیمانی گشوده بود. خطی که می‌کوشید همه نیروهای مخالف و همه دشمنان انقلاب و خط مردمی و امپریالیستی امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران را در یک جبهه متحد سازد.

اکنون با خلع بنی‌صدر از ریاست جمهوری و متواری شدن نامبرده و پیوستن آشکار وی به ضد انقلاب بسیار لازم و ضروری است که در انتخابات مجدد ریاست جمهوری فردی را برگزینیم که انقلاب و کشور را به سوئی نکشاند که رئیس جمهور مخلوع می‌خواست بکشد. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" در میان کاندیداهائی که صلاحیت آنان توسط شورای نگهبان قانون اساسی تأیید شده است، به آقای محمدعلی رجائی رای می‌دهد و از عموم مردم زحمتکش و میهن‌پرست نیز دعوت می‌نماید که فعالانه در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند و به آقای محمدعلی رجائی رای دهند.

هم‌میهنان آگاه و مبارز!

امروز تمام امید امپریالیسم آمریکا، شبکه ضد انقلاب داخلی، لیبرال‌های ورشکسته این است که مردم کمتر از سابق در انتخابات شرکت کنند. همه کسانی که عینک بدبینی بر چشم نهاده‌اند و آیه‌یاس می‌خوانند، چشم‌انتظار نشسته‌اند که مردم از این انتخابات استقبال نکنند. بکوشیم تا با شرکت فعال و یکپارچه در انتخابات، امید و انتظار دشمنانمان و کج‌بینی منحرفین را به یاس مبدل سازیم. امروز هر رای ما رایی است دال بر محکومیت امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی آن. وظیفه انقلابی هواداران است که تمام دوستان و آشنایان خود را به اهمیت شرکت در انتخابات آگاه سازند و آنان را فراخوانند که درست آن است که آراء خود را به سود رجائی به صندوق‌ها بریزند.

به پیروی از رهنمود امام و بخاطر گسترش جو تفاهم ملی و وحدت صفوف مردم، کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" به سایر کاندیداهای شرکت‌کننده در انتخابات توصیه می‌کند چنانچه قصد دارند واقعا انقلابی عمل کنند، شایسته آن است که آنان نیز به مردم توصیه کنند همگان آراء خود را به سود آقای رجائی به صندوق‌ها بریزند.

مردم آگاه و مبارز ایران!

آقای رجائی در سالهای قبل از انقلاب در مبارزه در راه سرنگونی رژیم شاه فعالانه شرکت داشته و در آن زمان نیز در متن صحنه بوده است.

در عمل نشان داده است که دشمن

امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا است.

از چهره‌های مدلیبرالیسم و ضد خط سازس

با امپریالیسم جهانی است.

با عناصر مشکوک و ناشناخته و محافل

سرمایه‌داران و ملاکین مراد و پیوند و همکاری

نداشته است.

خودپس و قدر طلب نیست.

و بطور کلی از احرای برنامه‌ها و اصلاحات

مردمی حمایت کرده است.

و از همه اینها مهم‌تر آقای رجائی به رهبری

امام، به اهداف و دستاوردهای انقلاب که

مهم‌ترین آن قانون اساسی است، وفادار است.

با مجلس هماهنگ است و نه تنها آن را تضعیف

نمی‌کند بلکه همواره کوشیده است که مجلس

سپاه و دیگر نهادهای انقلابی را تقویت کند.

اینها از ویژگی‌هائی است که در شرایط فعلی

و با توجه به حدود احتیارات و مقام رئیس جمهور

که در قانون مشخص گردیده است، برای کسب

مقام ریاست جمهوری اسلامی ایران ضروری است.

و البته تمام آنها نیست. با این‌همه با در نظر

گرفتن تمام جوانب مسئله و با ملاحظه دقیق

مصالح حلقه‌هایمان، انقلابسازان و کشورمان در

لحظات حشر کنونی و در نظر گرفتن خطراتی که

از جانب امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی،

انقلاب و دستاوردهای آن را تهدید می‌کند و با

در نظر گرفتن یکایک راه‌حل‌ها و طرفی که می‌توان

اهم مشکلات زندگی مردم زحمتکش میهن را رفع

و توطئه‌های امپریالیسم و ضدانقلاب را مهار و

خسرتی ساخت و با توجه به اهمیت و ضرورت

انتخاب فوری ریاست جمهوری و پشتیبانی وسیع

از رئیس جمهور، سازمان فدائیان خلق ایران

"اکثریت" با حفظ مواضع انتقادی خود نسبت به

برخی از عملکردها و روش‌های آقای رجائی و

به‌ویژه پیشنهادی‌های شخص ایشان نسبت به

سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" و دیگر

سازمان‌های مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی که

با عقایدی حر عقاید و نظرات آقای رجائی در

مبارزه علیه امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی

شرکت دارند و با توجه جدی به این امر که گرچه

اعتقاد ایشان به شعار "نه شرقی، نه غربی"

علیرغم لیبرالها دارای مضمون و محتوای

استقلال طلبانه و ضد امپریالیستی است، معیناً

متأسفانه آقای رجائی دوستان و دشمنان جهانی

انقلاب را در یک ردیف قرار می‌دهند و با تأکید

روی ضرورت حل این مسائل و انطباق رورافزون

ایشان با مختصات و ویژگی‌هائی که در لحظه

فعلی رئیس جمهوری اسلامی ایران لزوماً می‌تواند

و باید دارا باشد، از همه نیروهای آگاه، مبارز و

میهن‌پرست ایران دعوت می‌نماید که با شرکت

فعال در انتخابات ریاست جمهوری و ریختن آراء

خود به سود آقای محمدعلی رجائی زمینه‌های

تفاهم میان صفوف نیروهای مدافع انقلاب و

جمهوری اسلامی و گسترش اتحاد تمام نیروهای

خلق را علیه امپریالیسم جهان‌خوار سرکردگی

امپریالیسم آمریکا و همه مزدوران اصلی و خارجی

آن هموار و هموارتر سازند.

کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت"

دوشنبه ۲۴ تیرماه ۱۳۶۰

اعلام جرم سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در باره اعدام غیرقانونی رفیق یعقوب یزدانی

سحرگاه ۱۶ تیرماه یعقوب یزدانی هوادار قدیمی و شناخته شده سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" را دادگاه انقلاب اسلامی به شهر به جوخه اعدام سپرد. این عملی است فحیح، ضد انقلابی و کینه توزانه و کسالی که آن را مرتکب شده اند. خدا از نیاتشان، علیه انقلاب و ضد جمهوری اسلامی ایران و علیرغم رهنمودهای روشن و هدایتگر امام خمینی عمل می کنند. زیرا آنها که رفیق شهید یعقوب یزدانی را به جوخه اعدام سپرده اند، می دانستند که یعقوب هوادار اکثریت است، در خط انقلاب و دفاع از جمهوری اسلامی است. به اصرار خود و داوطلبانه به مدت سه ماه در جبهه های جنگ در سخت ترین روزهای محاصره آبادان شجاعانه جنگیده است و در هیچ و مطلقا هیچ اقدام آشوب گرانه و ضد انقلابی مشارکت نداشته است. معذرا یعقوب را به جوخه اعدام سپردند و بعد هم با زیرپا نهادن اساسی ترین موازین اخلاقی وی را وابسته به گروه "اقلیت" معرفی کردند و از آن هم بدتر اعلام کردند که یعقوب صریحا اعتراف کرده است که "اکثریتی" نیست و "اقلیتی" است و این یک دروغ آشکار و مزورانه است.

روش دادگاه های انقلاب اسلامی در دیگر شهرهای ایران در برخورد با سازمانها و احزاب سیاسی، با روش آقایان متصدی دادگاه انقلاب به شهر اساسا متفاوت است. این آقایان خود قانون وضع کرده اند و خودشان هم آن را به اجرا درمی آورند. آقایان می دانسته اند که عملشان خلاف رهنمود صریح امام، ناقص آشکار اطلاعیه ۱۵ ماده ای دادستان انقلاب اسلامی کشور و خلاف سیاست عمومی جمهوری اسلامی ایران است با این حال دستور دادند یعقوب را بکشند و نام وی را جزو "اقلیت" اعلام کنند.

نظر به جو خاصی که بر شهرستان به شهر حاکم است، روز نهم تیرماه مسئول کمیته ایالتی سازمان ما در مازندران با مراجعه به دادگاه انقلاب اسلامی ساری به آقای جمعی رئیس دادگاه انقلاب ساری اطلاع داده است که در شهرستان به شهر برخلاف رهنمود امام و خلاف اطلاعیه ۱۵ ماده ای دادستان انقلاب کشور و خلاف سیاست سایر دادگاه های انقلاب و به پیروی از نظر عناصر خاصی از جمله نماینده به شهر در مجلس شورای اسلامی در این شهرستان، اعضاء و هواداران "اکثریت" را مصدوم، مضروب و به وجهی زشت و غیرقانونی دستگیر کرده اند. مسئول کمیته ایالتی با توجه به خطری که جان رفقای سازمان را تهدید می کرد، فهرستی مرکب از ۱۶ نفر را که دادگاه به شهر تا آن روز دستگیر کرده بود، به آقای جمعی تسلیم می کند و می گوید حدود ۱۶ نفر دیگر را نیز این دادگاه در روزهای اخیر دستگیر کرده است که اسامی دقیق آنها بعدا روشن شده و به اطلاع دادگاه خواهیم رسانید.

صبح روز ۱۱ تیرماه یکبار دیگر با توجه به تحریکاتی که در به شهر صورت گرفته بود، از جانب مسئولین سازمان در تهران دوبار تلفنی با دادگاه انقلاب اسلامی ساری تماس گرفته می شود و نسبت به اقدامات احتمالی گردانندگان دادگاه به شهر قویا ابراز نگرانی شده، از دادگاه انقلاب اسلامی ساری (مرکز استان) درخواست می شود که تا فرصت باقی است، نگذارند کار از کار بگذرد.

علاوه بر این استناداری، دادستانی انقلاب و سپاه پاسداران ساری نیز صریحا این گونه اعمال خلاف قانون و خلاف رهنمود امام را محکوم کرده اند و اطلاعیه استناداری کرارا از صدا و سیما جمهوری اسلامی - مرکز ساری پخش گردید.

اولا این ادعای دادگاه به شهر که می گوید یعقوب صریحا اعتراف کرده است که وابسته به اقلیت است، کذب محض است. اگر واقعا دادگاه به شهر مدعی است که یعقوب اعتراف کرده است که وابسته به "اقلیت" است بدین وسیله رسما از آن دادگاه می خواهیم اسناد و دستخط یعقوب را یا در اختیار نمایندگان سازمان ما قرار دهد و یا انتشار دهد که مردم از حقیقت مطلع شوند ولی هم ما و هم دادگاه می داند که چنین اعترافی و چنین سندی وجود ندارد. تا آنجا که ما مطلع شده ایم، بهانه دادگاه این بوده است که یعقوب اعتراف کرده است که هوادار است و با سازمان ارتباط تشکیلاتی ندارد و همین اعتراف یعنی به جرم اینکه فعال است اما عضو "اکثریت" نیست، او را کشته اند و به نام عضو "اقلیت" اعلام کرده اند.

ثانیا مگر هر کس اعتراف کرد وابسته به اقلیت است، جزای وی مرگ است؟ این شکل قضاوت راجع به جرائم آنها جرائم سیاسی بر چه پایه ای است؟ ما مکرر روی ضرورت تصحیح تصمیمات و اقدامات عجولانه، غیرعادلانه، غیر ضرور، غیرمنطقی که در برخورد با تسخیر آفرینی گروه های کج روش و منحرف و خطاکار پیش می آید، تاکید کرده ایم. یعقوب هوادار "اکثریت" بوده است در این هیچ تردیدی نیست حتی مسئولین دادگاه هم پیش وجدان خود قبول ندارند که او "اکثریتی" نبوده است. با این همه گیریم که او "اقلیتی" باشد، مگر جزای هر کس که طرفدار مجاهد یا "اقلیت" باشد، اعدام است؟! خیلی ها هستند که هنوز فکر می کنند این گروه های منحرف درست می گویند. در هر خانواده ای امروز ممکن است یکی طرفدار امام و دیگری طرفدار بنی صدر یا طرفدار مجاهد و یا طرفدار "اکثریت" یا "اقلیت" باشد. قبل از اینکه این یا آن هوادار دست به اقدام معینی علیه انقلاب یا علیه جمهوری بزند، طبق کدام قانون می توان آنگونه که در به شهر و چند شهر دیگر عمل کرده اند، وی را دستگیر کرد و از آن مهم تر به مجازات رسانید؟ کسی که نه در اقدام مسلحانه علیه جمهوری شرکت می کند، نه در براندازی جمهوری اسلامی سهیم می شود، چگونه می تواند مستوجب حکم اعدام باشد؟

مشی غالب بر جمهوری اسلامی ایران باید سیاست ارشاد و هدایت گروه هائی باشد که راه کج می روند و ناآگاهانه آب به آسیاب امپریالیسم و دشمنان انقلاب می ریزند. این مشی در مهم ترین رهنمودهای امام خمینی و مسئولین اصلی جمهوری اسلامی به چشم می خورد. شیوه اصلی در برخورد با هواداران صادق این گروه ها باید شیوه هدایت و ارشاد باشد. توسل جستن به اعدام برای مقابله با هر نوع خطائی ناشی از قدرت و قاطعیت انقلابی نیست. این روش تصویری غیرواقعی و حتی زشت و ناپسند در اذهان مردم تصویر می کند. زیانبار بودن این

روشها وقتی آشکارتر می شود که دریابیم تا چه میزان جوانان و نوجوانانی که تحت تاثیر عواطف انقلابی و تحت تاثیر رهبری غلط و فرصت طلبانه ای مثل رهبری سازمان مجاهدین که مشخصا دست به فاحشه آفرینی زده است، به جوخه اعدام سپرده می شوند، واقعا ظرفیت این را دارند که بیامورند و تجربه کنند و راه صحیح را برگزینند. چگونه می توان از انبوه جوانان زیر ۲۵ سال و حتی زیر ۲۰ سال قطع امید کرد؟ جوانانی که هنوز فرصت نکرده اند عمق خیله گری امپریالیسم و توطئه های آن را دریابند. مگر ندیده ایم که انقلاب ویتنام چگونه با منحرفین و خاطبان با موفقیتی شگفت راه بازآموری را به کار گرفت؟ ما تمام مسئولین جمهوری اسلامی و همه نیروهائی را که قلبشان برای سرنوشت این انقلاب، این خلق و این میهن می تپد، یکبار دیگر دعوت می کنیم حساب کسانی را که علیه این انقلاب و علیه این جمهوری مسلحانه اقدام می کنند، از دیگران جدا سازند و بخصوص با جوانانی که می دانیم در آینده به راه دیگری که راه انقلاب و راه مردم است، می روند به شیوه ای دیگر عمل نمایند.

حکم دادگاه به شهر چه معنا می دهد و چرا آن را محکوم می کنیم؟

کسی که این حکم را صادر کرده است، کسانی که دستور دستگیری تمام هواداران سازمان را در به شهر صادر کرده اند، با این کار خود اعلام کرده اند که اطلاعیه ۱۵ ماده ای دادستان کل کشور را قبول ندارند. آنها با این کار اعلام کرده اند امسال سال قانون نیست. هر که هر که است! آنها می گویند هر که را خواستیم می کشیم و هر که را خواستیم دستگیر می کنیم. آنها دشمن قانون هستند. آنها عناصر غیرمسئول و بی منطق و خودکامه هستند. در اینجا تنها مسئله اعدام یک هوادار قدیمی سازمان مطرح نیست. مسئله از اینجا مهم تر است. همانطور که در توضیح علل بمباندازی به جشن میدان آزادی و شهادت میرا صناعی نوگل ده ساله فدائی گفته ایم، کسانی که این کارها را می کنند، کسانی هستند که بزرگترین ضربات را به حیثیت و اعتبار این جمهوری وارد کرده اند. اینان کسانی هستند که تمام انحرافات گروه های چپ رو و هرج و مرج طلب را توجیه می کنند. این کینه توری ها بهترین خوراک برای تبلیغات مفرضانه و سراپا دروغ امپریالیست ها و بهترین وسیله برای تبلیغات ضد انقلاب است که می گویند حکومت اسلامی حساب و کتاب ندارد. استبداد محض است. دوست و دشمن را نمی شناسد و هر کس را که عضو حزب جمهوری اسلامی نباشد، یا عقایدی مغایر عقاید حکومت داشته باشد، سرکوب و اعدام می کند. برای چپ روها و منحرفین سیاسی چه چیز بهتر از اینکه بگویند اطلاعیه ۱۵ ماده ای بهانه ای است برای تعطیل و سرکوب همه احزاب سیاسی؟ یک لحظه چشم های خود را باز کنیم و ببینیم که چگونه آنها با بی اطلاعی محض شایعات مربوط به اعدام توده های، اکثریتی ها و حتی امتی ها و دیگران را با شرح و تفصیلات دامن می زنند. برای آنها چه چیز بهتر از اینکه به استناد کارهای دادگاه انقلاب به شهر بازهم خیال کنند که برای این حکومت مبارزه مسلحانه و غیرمسلحانه مطرح نیست. این حکومت همه را به جوخه اعدام می سپارد. مگر نه اینکه تمام لیبرالها، سلطنت طلبان، مائوئیست ها و امثالهم مزورانه و خائنه می خواهند به مردم بخصوص این نوجوانان چپ رو بقبولانند که این حکومت اعتقادی به اطلاعیه ۱۵ ماده ای ندارد؟ ما عمل دادگاه انقلاب به شهر را



نفتگران خواهان لغو ماده ۱۴ لایحه شوراها و تثبیت حقوق شورائی خویش هستند

ماده ۱۴ لایحه شوراها (مصوبه شورای انقلاب) مغایر اصل ۱۰۴ قانون اساسی است. دولت چرا این ماده را که واحدهای تولیدی از قبیل نفت، فولاد و... را از حقوق شورائی محروم می‌کند، لغو نمی‌کند؟

درون شوراها این واحدها نیز موکول نمودن حق تشکیل این شوراها به تصمیم و تصویب هیئت وزیران نیست. تشکیل و تثبیت تشکلهای کارگری و حقوق شورائی در واحدهای صنعتی مهم و استراتژیک مانند دیگر واحدهای تولیدی و خدماتی، امری ضرور، متکی بر نص صریح قانون اساسی و منطبق بر مقتضیات انقلاب است. می‌توان و باید با اتخاذ ضوابط و تدابیر قاطع انقلابی، راه نفوذ عناصر ضدانقلابی و خرابکار را به درون این تشکلهای مسدود کرد و تشبثات اخلاک‌گرا را در این عرصه نیز عقیم گذارد. بدیهی است که برای این منظور باید بیش از هر چیز به آگاهی و شمس سیاسی و قوه تشخیص و تمیز توده کارگران این واحدها اعتماد و اتکا کرد و آن را ضامن اصلی جلوگیری از راه‌پایی این قبیل عناصر به تشکلهای شورائی کارگران دانست. ما در گذشته برای این امر نیز تصریح کرده بودیم که مراکز مهم صنعتی و تولیدی نظیر پالایشگاه‌ها و صنایع فولاد و ذوب‌آهن بنا به نقش حساس و موقعیت کلیدی که در اقتصاد میهن ما دارند، از زمره مهم‌ترین آماج‌های توطئه‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا، ضدانقلابی داخلی و لیبرالها (از نظر ایجاد و گسترش جو تشنج و آشوب سیاسی و تشدید رکود و بحران اقتصادی در جامعه ما) به شمار می‌آیند. از این رو چه برای خنثی کردن دسائس اخلاک‌گرا و تشنج‌آفرین ضدانقلاب، لیبرالها و نیز گروه‌ها و عناصر ماجراجو در این واحدها و چه برای بسیج و تجهیز توده کارگران و تامین حمایت متشکل و گسترده آنها از انقلاب ضدامپریالیستی و دستاوردهای آن باید حق برخورداری از شورا در این واحدها را نه تنها پذیرفت بلکه بر اهمیت و ضرورت آن تاکید نمود، آن را از نظر قانونی تثبیت کرد، شرایط تدارک، ایجاد و گسترش این‌گونه تشکلهای را فراهم نمود و با اتخاذ ضوابط و تدابیر ضرور قانونی، زمینه‌های بقاء و دوام آنها را تامین و تضمین نمود. ما در همان زمان تصویب و اعلام لایحه شوراها از سوی شورای انقلاب هشدار داده بودیم که از قید مشروط کننده‌ای که در ماده ۱۴ این لایحه وجود دارد، بیش از همه کس ضدانقلابیون و لیبرالها سود می‌برند تا هم از یکسو به بهانه آن مانع از تشکیل و تثبیت قانونی شوراها در واحدهای بزرگ صنعتی شوند و هم از سوی دیگر زیر ماسک عوام‌فریبانه دفاع از حق تشکل (حقوق شورائی و سندیکائی کارگران) به ایجاد و گسترش تشنج و آشوب در این واحدها پرداخته و جو سوءظن و کشاکش را بین توده کارکنان و مسئولین دولتی ایجاد کرده و دامن‌زنند.

در طول یکساله اخیر در صنعت نفت هر جا که مدیران و سرپرستان لیبرال و سازشکار فرصت یافتند، با توسل به ماده ۱۴ لایحه مذکور بر

در مردادماه سال گذشته شورای انقلاب لایحه‌ای ۱۶ ماده‌ای در مورد شوراها به تصویب رساند. این لایحه صرف‌نظر از اشکالاتی که در مضمون وظایف و حدود اختیارات شوراها داشت، دارای یک ایراد اساسی در زمینه دامنه شمول شوراها در واحدهای مختلف بود. بدین صورت که تشکیل شوراها مطابق ماده ۱۴ این مصوبه، در یک‌رشته از صنایع مهم و بزرگ تولیدی نظیر صنعت نفت، فولاد و... را موکول به تصویب هیئت‌وزیران نموده بود. ما به هنگام ارائه این مصوبه توسط شورای انقلاب، نیز ضمن انتقاد به سایر جوانب منفی این لایحه، در جای خود این ماده را هم مورد نقد قرار دادیم و آن را مغایر روح قانون اساسی جمهوری اسلامی در زمینه حقوق شورائی کارکنان واحدهای تولیدی و خدماتی و نیز خلاف مصالح و اهداف مردمی انقلاب شمردیم. قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصل ۱۰۴ خود در مورد حق برخورداری عموم کارکنان همه واحدهای تولیدی و خدماتی (اعم از کوچک و بزرگ) صراحت دارد و در هیچ یک از اصول و تبصره‌های دیگر آن نیز هیچ‌گونه قیدی که به نحوی از انحاء تشکیل شورا در این یا آن واحد تولیدی را منوط به تصویب ارگان یا نهاد حکومتی خاصی بنماید، دیده نمی‌شود. ممکن است مسئولین امور به اهمیت استراتژیک این‌گونه مراکز صنعتی و تولیدی چه از نظر اقتصادی و چه از نظر سیاسی اشاره کنند و بر این اساس ضرورت اتخاذ این قبیل تدابیر جهت ممانعت از تداخل وظایف و اختیارات شوراها با مدیریت دولتی این واحدها (ممانعت از نفوذ عناصر ضدانقلابی و هرج و مرج طلب در راس این قبیل مراکز صنعتی و از این طریق جلوگیری از برهم خوردن آرامش و نظم انقلابی در آنها) را نتیجه‌گیری کنند. در این صورت می‌توان با قاطعیت به دست‌اندرکاران و مسئولینی که چنین استدلال می‌کنند متذکر شد که اولاً وثیقه اصلی جلوگیری از هرگونه تداخل وظایف شوراها با امر اداره امور واحدها نه قرار دادن قیود و شروطی از این دست بلکه تدقیق و تصریح هرچه بیشتر اهداف، مضمون وظایف و حدود اختیارات شوراها بر اساس مصالح و مقتضیات انقلاب و منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان است. می‌توان و باید روح و جوهر واقعی تامین مشارکت دمکراتیک کارگران و دیگر کارکنان واحدهای تولیدی را در اداره امور آنها با دقت و صراحت و بر اساس منافع بنیادی انقلاب و مقتضیات تثبیت و گسترش آن در چارچوبی روشن معین کرد به‌گونه‌ای که راه هرگونه تداخل غیراصولی وظایف مسدود شود. ضمن آنکه مشارکت و نظارت کارکنان در اداره امور واحدها تامین و تضمین شود، از هرگونه اختلال در روند تولید نیز جلوگیری گردد. ثانیاً راه ممانعت از نفوذ عناصر ضدانقلابی و هرج و مرج طلب به

قانونیت و مشروعیت شوراها را کارکنان قلم بطلان کشیده و برای انحلال این تشکلهای انواع بخشنامه‌ها صادر کردند. آنها به این ترتیب کوشیدند تا هم سد صفوف فشرده و متشکل کارگران و کارکنان انقلابی را از پیش پا برداشته و از این طریق به مقاصد اخلاک‌گرا خود حمله عمل بیوشانند و هم با پاشیدن تخم نفاق و بدبینی میان کارکنان و مسئولین دولتی تعادل خصمانه ایجاد کنند.

متأسفانه دولت آقای رجایی و مسئولین و مقاماتی که از سوی ایشان به سرپرستی و نظارت بر صنعت نفت گماشته شده‌اند نیز در طول این مدت نه تنها در جهت درک واقعیات روشنی که از آن سخن گفتیم هیچ‌گونه تلاشی نکرده‌اند بلکه درست براساس نص ماده ضدشورائی و ضد کارگری مذکور عمل نموده و کماکان شوراها را به رسمیت نشناخته‌اند و بخش مهمی از کارکنان ایران را از حقوق شورائی شان محروم کرده‌اند و با این قبیل اقدامات ناسنجیده موجبات دل‌سردی کارکنان را فراهم نموده‌اند. آنها حتی در شرایط حساس و بغرنج کنونی که تنها طریق رسیدگی و پاسخگوئی به خواسته‌های بحق کارکنان و عقیم گذاردن تلاش‌های اخلاک‌گرا دشمنان انقلاب، استقرار و گسترش جو تفاهم بین کارکنان و مسئولین امور از طریق مذاکره با نمایندگان منتخب شوراهاست، این صنعت است، از پذیرش نمایندگان متعدد و مسئول شوراها به بهانه غیر قانونی بودن شوراها خودداری نموده‌اند و بدین ترتیب عملاً به توطئه‌های خرابکارانه ضدانقلابیون و لیبرالها میدان عمل بازهم وسیع‌تری داده‌اند. ما از این مسئولین می‌پرسیم اگر مشروعیت نمایندگان شوراها را منتخبات کارکنان صنعت نفت مورد پذیرش شما نباشد و به این ترتیب حاضر به هیچ‌گونه مذاکره موثری با این نمایندگان نباشید، پس چه طریقی را برای رسیدگی و پاسخگوئی به خواسته‌های کارکنان این صنعت و صنایع نظیر آن را برمی‌گزینید؟ آیا مشروط کردن حق تشکیل شوراها در واحدهای نظیر صنعت نفت به تصویب هیئت وزیران به معنای عدم پذیرش حق تشکیل شوراها در سطح این صنایع و محروم کردن کارگران از بخشی از حقوق مصرحه در قانون اساسی (حقوق شورائی) نیست؟ آیا شما معتقد به اصل تامین مشارکت دمکراتیک انقلابی توده کارکنان این واحدها در اداره امور آنها (براساس اصل ۱۰۴ قانون اساسی) نیستید؟ کارگران و دیگر کارکنان واحدهای مذکور در ماده ۱۴ لایحه شوراها از چه طریقی و به چه نحوی باید خواسته‌های صنعتی و رفاهی برحق خود را با مسئولان در میان گذارند؟ کارکنان انقلابی صنایع نفت و صنایع نظیر آن از چه طریقی جز تشکل صفوف خود، عناصر ضدانقلابی، لیبرال و چپ‌نما را از میان خود طرد کنند؟ آیا انقلاب برای تثبیت و تحکیم دستاوردهای خود و تداوم و گسترش ظفرمندان خویش به صفوف متشکل کارگران این واحدهای بزرگ و استراتژیک که تنها از طریق تجهیز گسترده آنان به تشکلهای و حقوق صنعتی و شورائی شان تامین و تضمین می‌شود، احتیاج ندارد؟ ما ضمن توجه دادن مسئولین دولتی و مقامات صنعت نفت به ضرورت و اهمیت تشکلهای و تثبیت حقوق صنعتی و شورائی کارگران در پیشبرد انقلاب، دولت را به تعمق مسئولانه پیرامون مصوبه ۱۶ ماده‌ای شورای انقلاب و تجدید نظر اساسی در آن دعوت می‌کنیم.

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد



اخلال مدیران لیبرال سازمان گسترش در راه اندازی کارخانه ماشین سازی پارس اراک

ماشین سازی پارس ، واحد اراک که سازنده اسکلت کارخانه واگن سازی پارس می باشد ، ۲۰۸ کارگر و کارمند دارد . این واحد در تاریخ ۲ اردیبهشت ۶۰ از طرف هیئت مدیره کارخانه تعطیل اعلام گردید . علت تعطیل را عدم بازدهی کارخانه و تمام شدن کار شرکت قید کرده بود ، که به دنبال آن ، کارگران با حرکت های اعتراضی شان خواستار بازگشایی واحد و ادامه کار آن شدند و تاکید کردند که حتی اگر در وضعیت کنونی (با توجه به سیاست اقتصادی دولت) امکان بازگشایی این واحد دفعتاً میسر نباشد ، دولت ، لاقلاً باید کارگران بیکار شده را در کارخانجات دیگر سازمان گسترش در اراک به کار گمارد اما به واسطه عدم توجه مسئولان هیئت مدیره به این خواست منطقی کارگران ، نمایندگان شورای کارخانه روانه تهران شده و مسئله را با مقامات مسئول (وزارت کار ، نخست وزیر و کمیسیون اصل ۹۰ مجلس و مقامات سازمان گسترش) در میان نهادند . که در آنجا نیز به نتیجه لازم نرسیده و به اراک بازگشتند . در پی عدم موفقیت شورا ، کارگران به مدت سه روز در اداره کار اراک متحصن شدند و طبق قطعنامه های خواست های شانرا مبنی بر بازگشایی واحد و

یا اشتغال در واحدهای دیگر ، اعلام کردند . پس از آن جلسه در استانداری با شرکت نمایندگان اداره کار ، سپاه ، دادگاه انقلاب و نمایندگان کارگران و استاندار تشکیل شد و در جلسه ای دیگر که در روز ۲۴ خرداد ۶۰ منعقد آن برگزار شد ، تصمیم گرفته شد که :

- ۱- کارگاه بازگشایی شود ،
- ۲- کارگاه با تمام ظرفیت پرسنلی در مدت سه ماه بقیه کار را انجام دهد و در این مدت سازمان گسترش برای افرادی که در هر مرحله بیکار خواهند شد ، ایجاد کار نماید (این افراد را به کارخانه های دیگر بفرستد) .
- ۳- نماینده ماشین سازی پارس در طول یک هفته ، وسائل لازم را جهت شروع کار واحد تهیه نماید و مدیریت جدید را معرفی کند .
- ۴- در طی این مدت تا تعیین مدیریت جدید ، شورا ، واحد را اداره کند .

به دنبال تصمیم گیری این هیئت ، در تاریخ ۳۱ / خرداد ۶۰ کارخانه بازگشایی شد و شروع به کار نمود . اما در تاریخ ۴ تیر ۶۰ تلفنگرامی از طرف حسن صدر مدیرعامل لیبرال سازمان گسترش به استاندار اراک مخابره شد و طی آن تصمیم گیری های هیئت مدیره مزبور در مورد بازگشایی واحد ، مردود اعلام شده

و امر به تعطیل مجدد آن گردید . و به دنبال آن استاندار طی تلفنگرامی به وزیر صنایع و معادن به تصمیم نادرست و کارشکنانه حسن صدر شدیداً اعتراض نمود و خواستار اعزام نماینده تام الاختیار وزیر به اراک شد . در هفته گذشته کارگران که در اثر تعطیل مجدد واحد ، حقوقی دریافت نکرده اند ، به اداره کار مراجعه نموده و خواستار پرداخت حقوق خود شدند . اداره کار نامه ای به مدیرعامل کارخانه نوشت و از وی خواست که حقوق کارگران را پرداخت نماید . اما تاکنون در این مورد هیچ گونه اقدامی از طرف مدیرعامل صورت نگرفته است . کارگران ماشین سازی پارس اراک ، ضمن حمایت یکپارچه از شورای کارخانه در پیگیری امر راه اندازی مجدد کارخانه و یا حداقل ، اشتغال مجدد و تحقق مطالبات منطقی شان (منجمله پرداخت حقوق کارگران) ، از مقامات مسئول می خواهند که همکاری مسئولان شان را از شورا دریغ نداشته و با مقابله قاطعانه علیه اقدامات ضدانقلابی مدیران لیبرال سازمان گسترش ، توطئه های آنان را در زمینه ایجاد جو ناراضی در میان کارگران و به تعطیل کشاندن کارخانجات خنثی سازند .

کارگران کارخانه چای فومن برای بهبود شرایط کار مبارزه می کنند

کارخانه چای خشک کنی عمومی فومن ، در حدود ۷۰ کارگر دارد ، که برخی از آنان روزمزدند و روزانه ۹ ساعت کار می کنند ، و برخی دیگر که به کارگران بیمه ای معروفند ، اغلب کارگران با تجربه ای هستند که سالها در کارخانه چای کار کرده اند . آنها روزانه بطور متوسط ۱۴ ساعت کار می کنند و به ازای هر ساعت ۸۵ ریال مزد می گیرند . این کارگران عموماً از ابتدایی ترین وسایل رفاهی نیز محرومند . سالن کار کارخانه از نظر گرما بی شایسته به کوره پزخانه ها نیست و کارگران در هوای گرم و خفه از داشتن حتی آب آشامیدنی خنک نیز بی بهره اند . یکی از کارگران می گوید :

" وقتی از طرف اداره کار یا بهداشت منطقه برای بازدید کارخانه می آیند ، صاحب کارخانه فامورین رایبه استراحتگاه شخصی خود که در محوطه کارخانه بوده و دارای وسایل مجهز بهداشتی است برده و به آنان می گوید که اینجا محل استراحت کارگران است . در حالی که هیچیک از کارگران حتی برای یک بار هم که شده از این وسائل استفاده نکرده و پا به

داخل این ساختمان هم نگذاشته اند " کارگران کارخانه عمومی تاکنون بارها به شرایط سخت کارشان اعتراض نموده و خواهان بهبود شرایط کار خویش شده اند . از جمله برای دریافت سود ویژه سال ۵۹ اقداماتی کردند که با همکاری ارگان ها و مسئولین انقلابی منطقه نظیر سپاه پاسداران و فرماندار فومن به بخشی از حقوق خویش دست یافتند . اما کارفرما در پاسخ به اعتراضاتی که در سال گذشته از سوی کارگران انجام شد ، امسال در آغاز کار فصلی جدید ، از ورود کارگران مبارزی که از سالها سابقه کار نیز برخوردار بوده و نقش موثری در تحقق خواست های دنیوی کارگران داشته اند ، جلوگیری نمود تا به زعم خود مانع شکل گیری اتحاد مبارزاتی کارگران شود . مصممند با تحکیم و تقویت صفوف خود و ایجاد تشکل صنفی شان و جلب همکاری بیشتر نهادهای انقلابی منطقه ، کارفرما را ناگزیر از پذیرش خواست های منطقی و برحقشان ، یعنی بهبود شرایط کار و تامین حواجی صنفی - رفاهی شان بنمایند

انبار کردن روغن نباتی در کارخانه روغن نباتی شیراز اقدامی است ضد انقلابی

در حالی که هموطنان زحمتکش ما برای دریافت یک

قوطی روغن از شورای محل و بقالی و ... به آب و آتش می زنند ، کارخانه روغن نباتی شیراز بیش از ۴۰ روز است که روال عادی توزیع روغن نباتی را مراعات نکرده و به انبار کردن آن دست زده است . هم اکنون در انبارهای این کارخانه که برای نگهداری (سرد نگهداشتن) ۲۱۰ تن روغن ساخته شده است در حدود ۱۰۰۰ تن روغن انبار شده است . در صورتی که در گذشته حداکثر موجودی انبار به ۱۸۰ تن بیشتر نمی رسید .

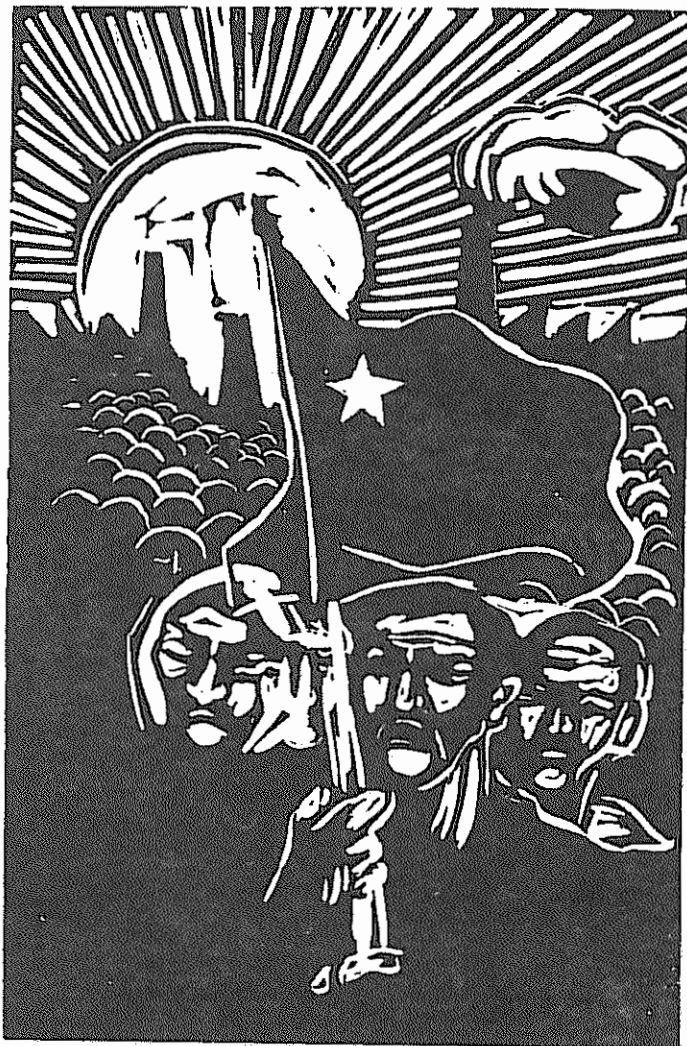
انبار کردن ۱۰۰۰ تن روغن نباتی در انباری که تنها می تواند ۲۱۰ تن روغن را به طریقه بهداشتی حفظ و نگهداری نماید ، قطع نظر از جنبه منفی اقتصادی و اجتماعی آن (احتکار ، کمیابی و ...) از نظر بهداشتی نیز به شدت زیانبار است . کارگران کارخانه روغن سازی و مردم زحمتکش شیراز از مقامات مسئول دولتی انتظار دارند که از انبار کردن بی رویه روغن و اخلال در توزیع عادلانه آن (توسط مدیریت

کارخانه) جلوگیری نموده و هرچه زودتر ، به توزیع درست آن مبادرت نمایند . مسئولین دولتی در پاسخ به این خواست اصولی کارگران باید در اجرای موارد زیر با کارگران همکاری و مساعدت نمایند :

- ۱- کارگران و کارمندان کارخانه روغن نباتی شیراز ، باید از طریق نمایندگان واقعی خویش در امر تولید و توزیع محصولات کارخانه ، مشارکت و نظارت داشته باشند .
- ۲- سهمیه کوبین ها باید متناسب با حداقل نیاز عمومی و امکانات تولیدی تقسیم شده و توزیع روغن بطور مسئولانه ای کنترل گردد .
- ۳- افراد اخلالگر و رشوه گیر از کارخانه پاکسازی شوند .
- ۴- با ایجاد و تقویت واحدهای تعاونی توزیع و مصرف (در چارچوب ملی کردن تجارت خارجی) ، همکاری و مشارکت فعالانه کارگران در امر توزیع عادلانه مایحتاج ضرور و کوتاه کردن دست تجار و واسطه های بزرگ تحقق یابد .

پر توان باد جنبش طبقه کارگر

پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



حسبه یاد

یاد شهدای اعتصاب خونین ۲۳ تیر

۲۳ تیر ۱۳۲۵، یادآور حماسه خونبار اعتصاب نفتگران رزمنده جنوب است. اعتصاب خونین و شکوهمندی که بر بیرقش تثبیت قانون کار و خلع ید از شرکت استعماری نفت انگلیس نقش بسته بود. اعتصاب عظیمی که علیرغم سرکوب خونینش و شیقه احراز دستاوردهای ارزنده و سترگ گردید.

دهه ۲۰ سالهای اوج‌گیری مجدد جنبش توده‌ای و کارگری ایران بود. سرنگونی رژیم رضاخان، گسترش فضای دموکراتیک را به ارمغان آورد و جنبش کارگری ایران بستر مساعدی برای ارتقای سطح مبارزاتی‌اش یافت. مبارزات کارگری در سالهای ۱۳۲۰ تا ۲۵ بر محور تامین حقوق دموکراتیک کارگران (به‌ویژه حقوق کار)، شکل‌های نوینی را در راستای تکوین وحدت سندیکائی کارگران ایران به وجود آورد و تجلی بارزش را در قالب "شورای متحده مرکزی" نشان داد. در اثر این مبارزات پیگیرانه و متشکل بود که لایحه قانون کار در سال ۱۳۲۳ تنظیم شد و در خردادماه ۱۳۲۵ به تأیید رسمی هیئت‌وزیران نیز رسید. اما تا تصویب نهائی این لایحه در مجلس (سال ۱۳۲۸) طبقه کارگر ایران، راه دشوار و پرمخاطبی را پیمود و وثیقه این طی طریق خونبار نیز مبارزات وقفه‌ناپذیر کارگران ایران به‌ویژه نفتگران جنوب بود که در این میان اعتصاب خونین و شکوهمند ۲۳ تیر ۱۳۲۵ جای ویژه‌ای دارد.

در خردادماه ۱۳۲۵ هیئت‌وزیران لایحه قانون کار را تأیید نمود و دولت دستور اجرای آن را صادر کرد اما "شرکت نفت انگلیس و ایران" از اجرای آن امتناع

ورزید و در مقابل اعتراض کارگران به اخراج و دستگیری آنان مبادرت کرد. روز ۲۲ تیرماه اتحادیه کارگران نفت (وابسته به شورای متحده مرکزی) طی اعلامیه‌ای، مطالبات انقلابی کارگران را که علاوه بر خواست "اجرای کامل قانون کار" شامل مطالبات سیاسی اساسی و مهمی نیز می‌شد، به ترتیب زیر اعلام کرد:

۱- "اجرای کامل قانون کار، منع شرکت نفت از مداخله در امور داخلی ایران، الغای شعبه سیاسی شرکت نفت و اخراج سران آن از ایران، انفصال مضباح فاطمی (استاندارخوزستان) و خلع سلاح اتحادیه عشایری خوزستان."

روز ۲۳ تیر کمیته اعتصاب تحت رهبری شورای متحده مرکزی، کارگران مناطق نفت-خیز را برای کسب مطالبات انقلابی‌شان دعوت به اعتصاب عمومی کرد.

به‌دنبال اعلام اعتصاب عمومی، دولت مرتجع قوام بلافاصله در آبادان حکومت نظامی برقرار کرد و پالایشگاه آبادان توسط نظامیان اشغال گردید. "اتحادیه عشایری خوزستان" که عمدتاً به خاطر حفظ منافع استعماری انگلیس (درنفت جنوب) و سرکوب جنبش‌های کارگری خوزستان توسط انگلیسی‌ها سازمان داده شده بود، با همدستی فرمانداری نظامی به کارگران اعتصابی حمله کرد و سبانه اعتصاب را به خون کشید. در جریان این تهاجم وحشیانه، ۴۷ تن از نفتگران مبارز به شهادت رسیده و بیش از ۱۷۰ تن مجروح گردیدند. کارگران سراسر کشور در اعتراض به این سرکوب ددمشانه و ضدانقلابی، طی تظاهرات

۲- مبارزه یکپارچه و قاطعانه پیشروترین گردان طبقه کارگر ایران (نفتگران و...) برای احراز حقوق انقلابی کار و تثبیت قطعی قانون کاری که محصول سالها مبارزه پیگیرانه کارگران ایران بوده‌است.

۳- اعتصاب خونین ۲۳ تیر، اعتصابی پیروزمند بود نه به اعتبار دستاوردهای مستقیم و آنی‌اش بلکه به اعتبار سهم ارزنده‌ای که در پیشبرد و تحقق اهدافش (که اهداف طبقه کارگر و خلق ایران نیز بود) ایفاء کرد. شعله‌ای که در ۲۳ تیر ۲۵ در گلوله و خون خاموش شد، در خرداد ۲۸ (تصویب قانون کار) و اسفند ۲۹ (ملی‌شدن صنعت نفت) بار دیگر زبانه کشید و فروزان شد.

اکنون که ۳۵ سال از این اعتصاب پرشکوه و خونین می‌گذرد، طبقه کارگر قهرمان ایران با برخورداری از تجارب این سنت‌های مبارزاتی درخشان، با توانی

به‌مراتب عظیم‌تر، با وحدتی به‌مراتب ریشه‌دارتر و با آگاهی و عزمی استوارتر از همیشه (که محصول تجارب و آموزش‌های سترگ انقلاب بهمین است) مصممانه به‌پیش می‌رود تا آرمان‌ها و اهداف

ارجمند رزمندگان شهید ۲۳ تیر را بطور کامل، با خلع ید قطعی هرگونه نفوذ و سلطه امپریالیستی و تدوین و اجرای یک قانون کار انقلابی متحقق سازد. **گرامی باد خاطر شهدای راه طبقه کارگر**

تحریم ارسال مواد اولیه کارخانه بوش

توسط

امپریالیسم آلمان غربی

مدت یک سال است که کارخانه بوش، تنها کارخانه تولید شمع موتور در ایران به‌علت کمبود مواد اولیه و کم کاری و اخلال عناصر لیبرال (از جمله کارمندان لیبرال دفتر مرکزی) با خطر تعطیل و ورشکستگی روبروست هم اکنون تولید در این کارخانه متوقف شده است. بسیاری از انحصارات غارتگر امپریالیستی منجمله کمپانی‌های انحصاری آلمان غربی، همزمان با تحریم اقتصادی ایران توسط امپریالیسم آمریکا، دست در دست آمیکای جهان‌خوار در این تحریم شرکت کردند تا به خیال واهی خود، انقلاب ایران را به زانو درآورند. اما کمپانی بوش، مدت‌ها پس از آنکه مسئله گروگان‌ها خاتمه یافت و تحریم اقتصادی امپریالیست‌ها رسماً و ظاهراً

لغو گردید همچنان به تحریم خود علیه ایران ادامه داده و از ارسال مواد اولیه و نیمه ساخته مورد نیاز کارخانه بوش ایران خودداری می‌نماید. کارگران مبارز و متعهد کارخانه بوش برای تداوم تولید و بی‌اثر کردن تشبثات اخلالگرانه امپریالیستی خواستار برخورد مسئولانسه دولت با مسئله فوق شده‌اند کارگران از دولت می‌خواهند که برای پایهریزی اقتصاد ملی و رسیدن به خودکفایی و استقلال اقتصادی، از ادامه روابط اسارت‌بار اقتصادی با انحصارات غارتگر امپریالیستی چشم پوشیده و شرایط لازم را جهت برقراری روابط اقتصادی متساوی‌الحقوق با کشورهای دوست و متحد انقلاب ایران فراهم نمایند.

اصول ۱۰۲ و ۲۶ قانون اساسی

(حقوق سوزائی و سندیکائی کارگران)

باید در قانون کار جدید تثبیت شود

ترکمن صحرا

شوراها برداشت موفقیت آمیز گندم را ادامه می دهند

گردید :
الف - نرخ کمباین برای درو یک پانزدهم محصول کیسه ۳۰ ریال
ب - مزد حمل و نقل هر کیسه ۳۰ ریال
ج - نرخ تراکتور برای حمل و نقل یک پنجاهم محصول در مورد شیوه تقسیم نیز قرار گردید که شورا ابتدا کلیه وام ها و بدهی هایش را پرداخت کرده و حدود ۱۰ الی ۲۰ درصد را جهت مخارج شورایی ذخیره نماید و بقیه محصول بین افراد کم زمین و بی زمین تقسیم شود در جلسات بعدی که شورا جهت بررسی چگونگی اجرای مصوبات جلسات پیشین داشت معلوم شد که از برداشت ۲۵ هکتار زمین کلیه بدهی ها پرداخت گردید . آنگاه در مورد شیوه های عملی تقسیم بحث شد و تصمیم گرفته شد که اهالی روستا به ۴ دسته تقسیم شوند :
۱ - افراد مرفه که بیش از ۲۰ هکتار زمین دارند سهمی نخواهند برد .
۲ - افراد نیمه مرفه که کمتر از ۲۰ هکتار زمین دارند با توجه به وضع مالی آنها بین ۳ تا ۴ کیسه گندم
۳ - افراد کم درآمد که بین ۴ تا ۸ هکتار زمین دارند ۶ کیسه گندم
۴ - افراد کم زمین و بی زمین که بین ۸ تا ۱۲ کیسه گندم سهم خواهند برد .
در این جلسه ۵ نفر از اهالی روستا به عنوان مشاورین شورا انتخاب شدند تا در پیشبرد بهتر امر برداشت و محافظت از محصول شورا یاری رسانند . قابل توجه اینکه یکی دو تن از روحانیون مرتجع و طرفدار فئودال روستا به بهانه سهم اینکه چون به افراد مرفه سهم نداده اند و بین همه مساوی تقسیم نمی کنند این عمل را حرام خوانده اند که اهالی روستا به اتفاق ، مخالفت خود را با این نظر و پشتیبانی خود را از عمل شورا اعلام داشته اند .

چیز زیادی برای تقسیم بین روستائیان باقی نمی ماند که باید چاره ای برای آن اندیشید .
شفتالوباغ سفلی - این روستا ۳۵ هکتار زمین زیر کشت شورایی داشت که از آن ۴۸۰ کیسه گندم برداشت شد کلیه محصول در محوطه روستا جمع آوری گردید و روستائیان با این پیشنهاد شورا موافقت نمودند که به هر نفر از سهم بران ۲ کیسه گندم داده شود و بقیه به سیلو تحویل گردیده و پول آن برای مخارج آینده در اختیار شورا قرار گیرد . در ضمن از گندم های تقسیم شده مقداری اضافی مانده بود که شورا با توافق اهالی بین افراد بی چیز و کم درآمد تقسیم کرد .
عثمان آباد - این روستا حدود ۸۰ هکتار زمین شورایی زیر کشت داشت که در دو سال اخیر محصول خوبی داده است اعضای شورای این روستا ۳ نفر ترکمن و ۲ نفر سیستانی هستند و بین مردم و اعضا شورا با ملیت های متفاوت تفاهم کامل وجود دارد .
اونق یلغی - شورای این روستا پس از برداشت محصول تمام بدهی های روستا را پرداخته و ۲۰٪ از محصول را که حدود ۴۰۰ کیسه گندم می شود به عنوان ذخیره نگهداری کرده است و بقیه محصول بین افراد کم زمین و بی زمین بطور مساوی تقسیم شده و به افراد مرفه سهمی تعلق نگرفته است .
شفتالوباغ علیا - شورای این روستا به منظور برداشت هر چه بهتر محصول شورایی و تقسیم عادلانه آن بین روستائیان جلسات منظمی با مشاوره اهالی روستا از نیمه دوم خرداد تا کنون داشته است که در این جلسات تصمیماتی به شرح زیر اتخاذ

اکنون نزدیک به یک ماه ونیم از برداشت شورایی گندم در منطقه می گذرد و در حدود یک ماه دیگر هم در بعضی نقاط ادامه خواهد یافت . تاکنون برداشت محصول به غیر از ۲ یا ۳ مورد آتش سوزی که خسارت چندانی به بار نیآورده است فارغ از توطئه های زمینداران بزرگ و فئودال ها وضد - انقلابیون رنگارنگ دیگر انجام پذیرفته مساله مهم در برداشت امسال برخورد جدی و متعهدانه ای است که ارگان های انقلابی منطقه با تشکیل " هیات برداشت " به هماهنگ کردن فعالیت های خود انجام داده . و در تمام این مدت تلاش کرده اند تا برداشت به خوبی پایان پذیرد ، معذالک از آنجایی که ضوابط مندرج در " آئین نامه برداشت " کاملا منطبق با نیازهای روستائیان نبوده و کلیه جوانب امر را منظور نکرده است با پاره ای اشکالات در بعضی نقاط مواجه گردیده که مساله انعطاف مسئولین و پیگیری امور و مشورت با روستائیان و شوراها قابل حل است ، اما رویه مرفهانه این برنامه ریزی نقش مثبتی در هماهنگی ارگان های مسئول و جلوگیری از ضایعات ، حفاظت محصول و تامین به موقع بعضی نیازهای شوراها داشته است گزارشی که در زیر می آید نشان دهنده چگونگی برداشت محصول در برخی از روستاهای اطراف آق قلا است
عطا آباد - روستائیان عطا آباد برداشت ۷۵۰ هکتار زمین زیر کشت شورایی گندم را به پایان رسانده اند . محصول امسال چندان رضایت بخش نبوده و از هر هکتار بطور متوسط ۱۰ کیسه گندم بدست آمده است که اگر شورا مقدار وامی را که گرفته و نزدیک به ۸۰۰ هزار تومان می باشد بپردازد و ۱۰٪ محصول را کنار بگذارد

خبرهایی از روستاهای کشور

درگردهمائی شوراهای روستائی تربت جام دهقانان خواستار اجرای بند ج و د شدند

زحمتکشان روستاهای طوالش خواهان تقسیم عادلانه زمین شدند

اخیرا روستائیان زحمتکش منطقه طوالش با مراجعه به نماینده خود در مجلس شورای اسلامی خواهان رسیدگی به امر تقسیم زمین از طریق هیات های واگذاری زمین و اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی شده اند آنها همچنین پیشنهادهای جهت چگونگی بهره برداری از چاه های عمیق و نیمه عمیق برای تامین و برطرف نمودن مشکل آبرسانی روستاهای خود ارائه نمودند .

در گردهمائی بیش از ۵۰ شورای روستایی بخش مرزی جنت آباد از توابع تربت جام که در آن نمایندگان نهادهای انقلابی نیز شرکت داشته اند روستائیان ضمن حمایت قاطع خود از این نهادها خواهان اجرای بند " ج " و " د " قانون اصلاحات ارضی شدند . در پایان این گردهمائی قطعنامه ای صادر شد که در قسمتی از آن چنین آمده است :
" ما دهقانان شرکت کننده در این گردهمائی ضمن پشتیبانی از اقدامات قاطعانه هیات های هفت نفره واگذاری زمین در جهت پیاده کردن طرح های انقلابی خواهان تقویت شوراهای اسلامی و

تاخیر در اجرای بند (ج) طرح

اصلاحات ارضی

به نفع دشمنان انقلاب است



رذیلانه موجبات خشم و اعتراض شدید تمام مسلمانان پایتخت افغانستان را فراهم ساخت * در مزارشریف راهزنانی که تلاش می‌کنند خود را مدافع دین اسلام جلوه‌گر سازند، می‌خواستند مسجد را منفجر کنند. آنها ملاخردالدین پیشنماز مسجد را مورد شکنجه قرار دادند.

* در بخش انجیل ایالت پکتیا عوامل فتوادل‌ها و خان‌های افغانی چند ملا را وحشیانه به قتل رساندند.

* در شهر غندز این جنایتکاران مدرسه‌های را آتش زدند و ۴۰۰ جلد قرآن مجید که در این مدرسه بود، طعمه حریق شد.

ما بار دیگر از دولت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهیم که به سیاست حمایت از ضدانقلابیون افغانستان پایان دهد. ما به مقامات مسئول جمهوری هشدار می‌دهیم: چشم‌ها را باز کنید، دست خون‌آلود امریکای جنایتکار را در پشت اعمال وحشیانه این "مجاهدین" ببینید و با قطع حمایت از این مزدوران سلامت انقلاب مردم ما را بیش از پیش تضمین نمائید!

تاسیه روی شود هر که در او غش باشد

حجت‌الاسلام خلخالی چندی پیش به تعدادی از کشورها، منجمله شوروی سفر کرد. ایشان پس از بازگشت از این سفر، طی مصاحبه‌ای با مخابر روزنامه کیهان پیرامون وضع مسلمانان شوروی مطالبی گفتند که قسمتی از آن را در زیر می‌آوریم:

"به دعوت مسلمانان آسیای میانه و ماورای قفقاز به کشور شما سفر نمودیم. توقف ما در اتحاد جماهیر شوروی کم بود چون به وسیله تلکس وزارت امور خارجه دو مرتبه و فوری ما را برای تصمیم‌گیری در باره عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور به مجلس شورای اسلامی احضار کرده بودند. در شهر مسکو نیم میلیون نفر مسلمان زندگی می‌کنند و در روز جمعه و عید فطر و قربان صف نمازگزاران به خارج از مسجد و به خیابان نیز کشیده می‌شود."

(کیهان ۲۰ تیرماه ۱۳۶۰)
حال به این جمله از مقاله "شوروی چگونه که هست" در میزان ۲ خرداد ۱۳۶۰ توجه کنید:

"از دو میلیون زندانی روسی، قریب به ۱۰۰۰۰ نفر به اصطلاح زندانی وجدان خویشند. اینان کسانی هستند که به خاطر مذهب، فکر و عقاید سیاسی خود به زندان افتاده‌اند."

ما در همان روزها در پاسخ به لاطائلات آقایان لیبرال و نیز برای آشنائی هم‌میهنان در طی یک مقاله آماری نشان دادیم که ادعاهای حضرات لیبرال چه اندازه مجعول و افتراء آمیز است. ما در کار ۱۳ خرداد نوشتیم:

برخلاف تبلیغات مغرضانه بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستی و یا افراد ناآگاه متأثر از این تبلیغات، وعاظ و خطیبان و امامان می‌توانند آزادانه در مساجد و اماکن مذهبی سخنرانی نمایند و موضوع وعظ و سخنرانی آنان از سوی خودشان تعیین می‌گردد و ارگان‌های دولتی و یا مقامات اداری حق مداخله در این‌گونه از امور را ندارند.

اما از قدیم گفته‌اند: شنیدن کی بود مانند دیدن؟! ما از اینکه آقای خلخالی و دیگر مسئولین جمهوری اسلامی می‌توانند از نزدیک "شوروی را چگونه که هست" ببینند، خوشحالم و ایمان داریم که گسترش این‌گونه مراوده‌ها و مسافرت‌ها می‌تواند در تصحیح بسیاری از پیشداوری‌های نادرست موثر افتد و کسانی که برای فراموش شدن امریکا، شوروی را پیش می‌کشند، بیس از پیش رسوا شوند تا سیه‌روی شود هر که در او غش باشد!



که دشمنان انقلاب اسلامی چه کسانی هستند کدام نیروها موجبات تشنج و ارباب را فراهم آورده‌اند؟! *

گفته‌اید: "توطئه خائنانه انفجار غیرانسانی و ضداسلامی ۷ تیرماه دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم می‌کنیم" مسبب اصلی این جنایت هولناک به نظر شما کیست؟ * زمانی "مجاهدین خلق" را "فرزندان خود" خوانده‌اید و زمانی اعلام کرده‌اید که هیچ‌گونه همکاری و ائتلافی با آنها ندارید. نظر صریحتان راجع به سازمان مجاهدین چیست؟

چشم‌ها را باز کنید

"مجاهدین" افغانی، روحانیت مبارز افغانستان را به دلیل آنکه از انقلاب بورژیم مردمی آن پشتیبانی می‌نمایند، ترور می‌کنند.

"مجاهدان مسلمان" افغانی تاکنون همواره اعمال و اهداف ضدبشری و ضدانسانی خود را در لفافه "دفاع از اسلام" بسته‌بندی کرده و از طریق امکانات عظیم امپریالیسم خبری، شب و روز در ذهن توده‌های مردم مومن و معتقد به اسلام فرو کرده‌اند. آنها بدین طریق کوشیده‌اند تا با سوء-استفاده از معتقدات مذهبی مردم، ماهیت واقعی اهداف جنایتکارانه خود را پرده‌پوشی کرده و سرسپردگی خود به امپریالیسم جهانی و در راس آن امریکای جنایتکار را پنهان سازند. آنها همواره سعی کرده‌اند تا سرشت انقلاب افغانستان را دگرگون جلوه داده و توده‌های مردم را به آلت دست مقاصد شیطانی خود تبدیل کنند.

موجودیت و پیشرفت انقلاب افغانستان اکنون مشتمل بر این مزدوران امپریالیسم و ارتجاع منطقه را باز کرده است. اکنون در میان توده‌های محروم و زحمتکشی که در نتیجه تبلیغات امپریالیست‌ها و عوام‌فریبی رهبران دستجات ضدانقلابی افغانی به مقابله با انقلاب افغانستان کشیده شده بودند، هر روز گروه‌های زیادتری بانفرت و انزجار از رهبران دستجات ضدانقلابی افغانستان که هر کدام نام پرطمطراق به اصطلاح اسلامی را یدک می‌کشند، جدا می‌شوند و با بازگشت به میهن خود به انقلاب افغانستان می‌پیوندند.

در این میان حمایت و پشتیبانی قاطع روحانیت مبارز افغانستان از رژیم مردمی و انقلابی افغانستان هر روز ابعاد گسترده‌تری می‌یابد. پشتیبانی و حمایت ترقیخواهانه روحانیت مبارز و ترقیخواه افغانستان با ترور جنایتکارانه باندهای ضدانقلابی افغانستان که در ایران نیز در پناه جمهوری اسلامی قرار دارند، روبرو است. رهبران مزدور "مجاهدین" افغانی اکنون که قافیه برایشان تنگ آمده، پرده اسلام دوستی خود را نیز به کناری افکنده و برای مقابله با مردم و انقلاب افغانستان دیگر مسلمان غیر مسلمان نمی‌شناسند! برای آنکه مطلب آشکارتر شود، کافی است به چند خبر زیر توجه کنید:

* مجاهدین افغانی مولوی عبدالمجید را به هنگام نماز موقعی که تمام افکار او متوجه عبادت بوده، ناجوانمردانه به قتل رسانده‌اند. این قتل

نهضت آزادی از پاسخ به سئوالات مردم طفره می‌رود

مهم‌ترین نتیجه حوادث اخیر، ضربه کمرشکن دیگری بود که بر لیبرال‌ها - این منادیان سازش و تسلیم - فرود آمد و آنها را بیش از پیش رسوای کوچک و بازار ساخت. حوادث اخیر و مواضع امام خمینی نسبت به حضرات لیبرال، دست و پای این سیاستمداران خوش‌خط و خال را آنچنان در "پوست گردو" گذاشت و عرصه را چنان بر آنان تنگ ساخت که بیا و ببین!

بخش‌هایی از لیبرال‌ها که در جاده سازش و خیانت بسیار پیش‌رفته بودند، نظیر دار و دسته امریکایی جبهه ملی پاک آبرو باختند و به یقین باید گفت که مرگ سیاسی‌شان فرا رسید بطوریکه دیگر مشکل بتوانند کمر راست کنند. پاره‌ای دیگر نظیر حزب (ایضا امریکایی) ایران که اینان نیز از سازندگان جبهه ورشکسته ملی بودند، دبیر کل‌شان ابوالفضل قاسمی را به جرم همکاری با ساواک پای میز محاکمه یافتند و...

اما دسته‌های لیبرال‌ها یعنی جریان نهضت آزادی متعلق به مهندس بازرگان و شرکا به اعتبار پاره‌ای اعتقادات مذهبی هنوز امیدوارند که از این ضربه هولناک نیز جان سالم بدر برند. این حضرات که امام خمینی به آنان تکلیف کردند تا مواضع سیاسی خود را به صراحت بیان دارند، روزهای دشوار و پر از بیم و امید را از سر می‌گذرانند! نهضت آزادی کوشیده است با پیچ و تابها و ناز و کرشمه‌هایی که ویژه "نرم‌تنانی" از نوع لیبرال‌هاست، خود را از این مخمصه نجات دهد. برای این‌کار مهندس بازرگان که زمانی در این انقلاب برو و بیائی داشت، از روی ناچاری مجبور شده با صدور ۲ اطلاعیه (به تاریخ ۲۷ خرداد و ۱۲ تیر) مواضع سیاسی جریان خود را به اصطلاح "روشن" سازد. نهضت آزادی که رندانه جاسوسی، محاکمه و محکومیت امیرانظام و دفاع دوآتشه خود را از او هیچ به روی مبارک خود نمی‌آورد، همچنان با کلی‌گویی و ردیف کردن جملات انقلابی از موضع‌گیری صریح نسبت به سئوالات مردم طفره می‌رود.

باید گفت: آقایان! ما که شما را می‌شناسیم، اما حتم بدانید که مردم شما را مجبور خواهند کرد که این بار وقتی اطلاعاتی صادر می‌کنید، به سئوالاتی که پیرامون جریان نهضت آزادی وجود دارد، بطور صریح پاسخ دهید. بخشی از این سئوالات (صرفاً در رابطه با مسائل سیاسی روز) چنین است:

* امام گفته‌است: عده‌های شوروی را مطرح می‌کنند تا امریکا فراموش شود. آیا شما از این زمهره نبوده‌اید؟ نظر صریحتان راجع به دشمن اصلی مردم ایران چیست؟

* عضو "والامقام" نهضت آزادی یعنی دکتر سحابی گفته‌است: ما با امریکا در جنگ نیستیم و "بیخود برای خود دشمن نتراشید"! نظر نهضت آزادی در مورد این سخنان مشعشع چیست و چرا بلندپایگان نهضت به خودحق می‌دهند چنین سخنانی بر زبان آورند؟! *

امام گفته‌است: این جریان‌ها بخاطر این بوده است که شعار "مرگ بر امریکا" فراموش شود. چرا در اجتماعات شما این شعار از همان ابتدا "فراموش" شده بود؟! *

امام گفته‌است که شما جبهه ملی را محکوم کنید و آن را مرتد اعلام دارید. چرا تنها به تکذیب شرکت خود در راهپیمائی ۲۵ خرداد پرداخته‌اید نظر صریحتان راجع به جبهه ملی چیست؟ *

گفته‌اید: "هر فرد یا گروهی که موجبات تشنج و تجاوز و ارباب را فراهم آورد آب به آسیاب دشمنان انقلاب اسلامی ریخته‌است" پاسخ دهید

کارنامه "ناپلئون بنی صدر"

نهی کردن ارتش از شور و اهداف انقلاب

بنی صدر که از فرماندهی کل قوا عزل شد، ضدانقلاب لیبرالها و همه‌آتهائی که فریفته نیرنگهای بورژوازی بودند، فریاد برآوردند که ارتش بدون بنی صدر، ارتشی ناتوان و بی‌فرمانده خواهد بود که پیرویش را در جنگ باید به خواب دید. این ادعائی بود که بنی صدر نیز تا آخرین دقایق فرماندهی خود به طرق مختلف تبلیغ کرده بود اما عملکرد نیروهای رزمنده در یک‌ماه گذشته و به ویژه پیروزی‌های درخشان اخیر نشان داد که ادعای بنی صدر و اصحاب دفتر هماهنگی تا چه میزان بی‌پایه و بوج و برای فریب مردم بوده است. پیروزی‌هایی که طی همین مدت کوتاه پس از عزل و رسوائی بنی صدر نصیب نیروهای مسلح جمهوری اسلامی شده‌است اگر نگوئیم بیشتر، لااقل با تمام پیروزی‌های درون فرماندهی بنی صدر هم سنگ است. البته تأثیرات عملکرد مخرب و بازدارنده بنی صدر در سیر تکاملی انقلاب و به‌ویژه در ارتش کاملاً خنثی شده و یا زمینه‌های آن از بین رفته باشد بلکه بررسی حضور ۱۵ ماهه بنی صدر و سیاست‌های مورد عمل وی در ارتش می‌تواند ما را بیش از پیش در جهت تقویت خط انقلاب در نیروهای مسلح و محسوس زمین‌های رشد ضدانقلاب توانا سازد.

واقعیت این است که سیاست بنی صدر در ارتش به پیروی از سیاست کلی‌اش نست به انقلاب که کندسازی، توقف، تضعیف و در نهایت مسخ انقلاب بود، متوجه دور کردن ارتش از مردم و اهداف انقلاب و نزدیک ساختن ارتش به الگوهای ارتش شاهنشاهی بود.

بنی صدر از ابتدا به پیروی از سیاست تسلیم و سازش خود ارتش را به‌مثابه یکی از عرصه‌های مناسب و مهم فعالیت که در نهایت حامل قدرت نظامی - سیاسی برای اجرای مقاصدش باشد، می‌دانست و بدین ترتیب او از یکسو ناز به ممانعت از

بارور شدن خط انقلاب در ارتش و از سوی دیگر باز - سازی سریع زمینه‌ها و گرایش‌های آریامهری درون آن داشت.

عملکرد بنی صدر را در طول ۱۵ ماه فرماندهی‌اش بر ارتش می‌توان به دو قسمت عمده قبل و بعد از جنگ تحمیلی تقسیم نمود.

پس از شکست توطئه - امریکائی طیس و کودتای نوزده به محض اینکه نیروها و شبکه‌هایی از ضدانقلاب فعال و سازمان یافته مورد تهاجم سراسیمه نیروهای خط امام قرار گرفت، بنی صدر با شعار عدم تضعیف ارتش، مرحله اول کار خود را آغاز نمود. او از تصفیه بسیاری از فرماندهان وابسته و ضد انقلاب جلوگیری کرد و تا آنجا که توانست آنها را تحت حمایت خود قرار داد. نوزده افسرانی چون سرلشکر باقری را تطهیر و حمایت نمود و عملاً مانع کشف و نابودی کامل شبکه‌های ضد انقلاب در ارتش گردید. او در این مقطع از شتابزدگی و بی‌برنامگی خط امام در تصفیه‌ها، زیرکانه در جهت مشروع جلوه‌دادن شعارهای خود سوءاستفاده نمود.

بنی صدر از همان ابتدا با اجرای سیاست جذب فرماندهان بالا و فریب پرسنل جزء و زحمتکش و ایجاد جو بدبینی و خصومت بین پاسداران و پرسنل ارتش و دامن زدن به روحیه یاس و سرخوردگی از انقلاب و بهره‌برداری از تنگ‌نظری و قشری‌گری نهادهای انقلابی، در راه جریان یافتن شور انقلابی در میان نیروهای مسلح موانع جدی پدید آورد و در تجهیز پرسنل به اهداف مردمی و ضدامپریالیستی انقلاب مانع تراشید. بعد از شروع جنگ تحمیلی فرصت مناسبی برای بنی صدر بود تا یورش انقلابی نیروهای خط امام به قلب ضدانقلاب کودتاگر را جبران کند و با طرح این شعار که تضعیف ارتش محرک صدام برای آغاز جنگ بوده، بازسازی ارتش را به شیوه آریامهری در دستور

کار خود قرار دهد. بنی صدر از همه زمینه‌ها و مسائل مطرح در جنگ تحمیلی مانع شد: انگیزه شروع جنگ، نقش تخصصی، جنگ کلاسیک، تسلیحات و تجهیزات، روابط سپاه و ارتش و ... فریبکارانه در جهت مقاصد سازشکارانه و انقلاب‌ستیز خود بهره‌برداری نمود.

او در تشریح انگیزه‌های جنگ تجاوزکارانه به لاپوشانی هدف امپریالیستها یعنی صدور ضدانقلاب به داخل میهن انقلابی پرداخت و قدرت‌طلبی صدام جنایتکار را که حاصل توطئه و تحریک امپریالیسم و ایادی مرتجعش در منطقه بود، ناشی از تحریک او در اثر تضعیف ارتش ایران و شعار صدور انقلاب دانست. او به سرعت به بهانه کمبود متخصص بسیاری از فرماندهانی را که در رابطه با کودتا تصفیه شده بودند، به خدمت فراخواند و تا آنجا پیش رفت که سرهنگ کودتاچی "باوندپور" را به عنوان "عقاب کوهستان" مفتخر نمود.

جنجال محیلانه و قدرت - طلبانه‌ای که بنی صدر بر سر مسئله تخصص و تعهد و نیز جنگ کلاسیک دامن زد، ابعاد توطئه و تخریب وسیعی یافت که به‌ویژه برخی شتابزدگی‌های نیروهای خط امام نیز زمینه مناسبی برای آن فراهم نمود. او ادعا می‌کرد که این "مکتبی‌های نادان" می‌خواهند ارتش را با اخراج "متخصصین دانا" تضعیف کنند و چنین وانمود می‌کرد که از دید نیروهای خط امام تخصص هیچ ارزش و مقبولیتی نمی‌تواند داشته باشد و با این فریب و نیرنگ متخصصین تصفیه شده را نه با کنترل و مدیریت انقلابی بلکه به قصد تقویت خط سازش به خدمت گماشت. او شعار توده‌ای کردن جنگ را که نیروهای خط امام بعد از تصرف خونین شهر به دست ارتش مزدور صدام مطرح نموده بودند به مسخره گرفت و جنگ کلاسیک را نه با کاربرد انقلابی آن یعنی تلفیق جنگ منظم و نامنظم

و بهره‌گیری توأم تویخانه و پارتیزان بلکه در جهت تضعیف پاسداران و تحمیل رهبری مشکوک ارتش بر آنها به کار گرفت و بدین ترتیب ارتش را از روحیه رزمندگی سپاه و سپاه را از تجربه و قدرت آتش ارتش محروم نمود.

بنی صدر از آغاز جنگ با اتخاذ سیاست ایجاد تفرقه بین سپاه و ارتش، تحرک دشمن‌ستیز نیروهای رزمنده را کاهش داد و پیروزی را نه در روحیه و توان پاسداران و سربازان بلکه در "سیاست - بازی‌های" متبلور در هیئت‌های صلح کنفرانس - امریکائی طائف جستجو می‌نمود. او از حقانیت جنگ و نتیجه نهائی‌اش در هراس بود و پایان جنگ را نه با غرور و اتحاد انقلابی همه نیروهای رزمنده بلکه با قدرت‌مداری فرماندهان ارتش به سر فرماندهی "ناپلئون بنی صدر" آرزو می‌کرد. او می‌اندیشید که در پایان جنگ سوار بر توسن سرکش نیروهای مسلح به فتح دروازه‌های قدرت و عرصه‌های سیاست خواهد پرداخت و به عنوان "بزرگترین اندیشه معاصر" انقلاب ایران را تصاحب خواهد نمود.

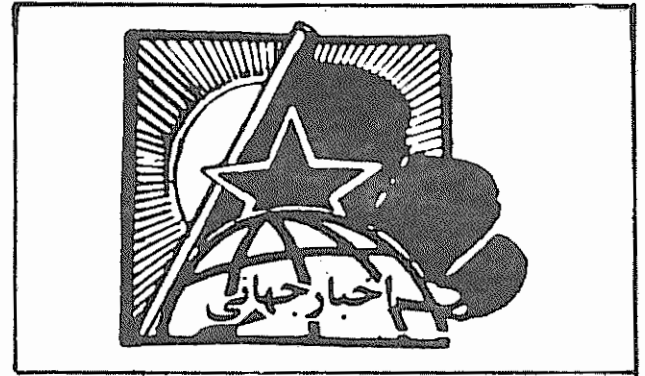
بنی صدر با سوءاستفاده از فرمان‌های امام در جهت رعایت انضباط و سلسله‌مراتب فرماندهی به احیاء و تقویت آئین‌نامه‌ها و مقررات آریامهری در ارتش جمهوری اسلامی پرداخت و با بذل و بخشش امتیازات و امکانات فراوان به فرماندهان رده بالا و نتیجتاً تحت فشار قرار گرفتن صفوف زحمتکش پائین ارتش، روح رزمندگی و مبارزه‌جویی آنان را تضعیف نمود. با بهره‌برداری از سیاست‌های نادرست‌نهادهای انقلابی به تضعیف خود آنها پرداخت و با تبلیغات مسموم خود جو بدبینی و خصومت نسبت به آنان را دامن زد.

کیش شخصیت‌پرستی و سپهسالار پروری را که بعد از انقلاب رو به ضعف نهاده بود، دوباره زنده کرد و از خود "قهرمانی" پوشالی

ساخت. بنی صدر در طول جنگ، بیشتر اوقات خود را در جبهه‌ها می‌گذراند تا چنین وانمود کند که جبهه‌ها یک لحظه بدون حضور او دوام نخواهند آورد اما در عمل یا با ایجاد تفرقه و عدم هماهنگی بین نیروها، فداکاری شبانه‌روزی آنها را عقیم می‌گذاشت و سیاستارهای قهرمانانه پاسداران و سربازان را به نام خود رقم می‌زد و در کارنامه کذائی‌اش از نقش فوق‌العاده برجسته خود داد سخن می‌داد. در سنگر و در حال غذا خوردن با سربازان عکس می‌گرفت ولی در تقسیم امتیازات فوق‌العاده جنگی بین آنها و افسران ارشد نسبتی معادل یک به ده برقرار می‌نمود و با عوام‌فریبی، نارضایتی پرسنل زحمتکش را در جهت تضعیف نیروهای خط امام هدایت می‌کرد.

او در گشودن عرصه برای تحت فشار قرار دادن سربازان تا حدی پیش‌رفت که حتی بطور غیررسمی و غیرقانونی گماشتگی سربازان در برخی مناطق مطرح و اجرا گردید تا آنجا که آنها را به تظلم - خواهی از روحانیون مبارز چون آیت‌الله منتظری و آدار کرد.

بنی صدر در سیاست تسلیحاتی خود نیز همچون سیاست خارجی‌اش از نزدیکی انقلاب ما با دوستان جهانی‌اش جلوگیری نمود. با سوءاستفاده از شعار "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی" به اتخاذ شیوه‌های غیرمستقیم تهیه سلاح از کشورها و محافل امپریالیستی مبادرت می‌نمود و بدین ترتیب نه تنها وابستگی تسلیحاتی ما را محفوظ می‌داشت بلکه مبالغه‌گفتی دلالتی و خرج واسط بر ارتش تحمیل می‌نمود و دزدی‌های تسلیحاتی را که یادگار ارتش آریامهری بود، همچنان امکان‌پذیر نمود. ماجرای کلاهبرداری ۵۶ میلیون دلاری نمونه این شیوه خطرناک تهیه سلاح بود که بنی صدر تلاش می‌کرد تا رندانه مسئولیتش بقیه در صفحه ۱۷



پیروزی‌های انقلابیون السالوادور امپریالیسم را به وحشت انداخته است

نبرد میان رژیم وابسته نظامی السالوادور و انقلابیون این کشور در هفته‌های اخیر شدت بی‌سابقه‌ای یافته است. با وجود کمک‌های روز افزون نظامی آمریکا به دار و دسته حاکم بر السالوادور، هر روز که می‌گذرد انقلابیون به پیروزی‌های بیشتری دست می‌یابند. در هفته گذشته طی نبردهای متعددی که میان نیروهای دولتی و انقلابیون رخ داد مبارزین السالوادور مواضع نیروهای دولتی از جمله پادگان نظامی شمال شهر سان‌سالوادور را مورد حمله قرار دادند. همچنین در نبردهای پراکنده‌ای که در اطراف سفارت آمریکا رخ داد عده‌ای از مزدوران دولتی به هلاکت رسیدند.

اعلامیه مشترک

مسلمانان شوروی و افغانستان

طی اعلامیه مشترکی، نمایندگان مسلمانان افغانستان و اتحاد شوروی از مسلمانان سراسر جهان دعوت کردند، جنگ اعلام نشده علیه افغانستان را مورد تقبیح قرار دهند. در این اعلامیه مشترک که به امضا رئیس کل اداره امور دینی مسلمانان آسیای میانه رسیده است گفته می‌شود که "ارتجاع بین‌المللی و امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا صلح و پیشرفت اجتماعی را تهدید می‌کنند. مداخله در امور داخلی افغانستان و جنگ اعلام نشده علیه آن مظهر چنین سیاستی است"

موج تظاهرات مردم انگلیس

پایه‌های نظام سرمایه‌داری را مورد حمله قرار داده است

تظاهرات بی‌سابقه جوانان انگلیس که از حدود یک هفته پیش آغاز شده هم‌چنان ادامه دارد و روز به روز بر دامنه آن افزوده می‌شود. این تظاهرات بزرگ‌ترین شهرهای کشور از قبیل لندن، لیورپول منچستر را فرا گرفته است. نیروهای پلیس انگلستان برای مقابله با تظاهرکنندگان از گازهای اشک‌آور گلوله‌های پلاستیکی و سلاح‌های واقعی استفاده می‌کنند. در اثر تیراندازی پلیس به سوی تظاهرکنندگان تاکنون چند نفر کشته شده‌اند. ریشه و علت این تظاهرات در بیکاری، سطح پائین رفاه اجتماعی، عدم تأمین اجتماعی، تبعیض نژادی می‌باشد. عامل این بی‌عدالتی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی نیز مشتی صاحبان

انحصارات انگلیس هستند که علیرغم وضع فلاکت بار اقلیت‌های رنگین پوست و زحمتکشان انگلستان به دنبال سودهای سرسام آور خود هستند و برای حفظ مواضع سرمایه‌داری جهانی، همگام با آمریکا به طور مداوم بر بودجه تسلیحاتی خود می‌افزایند.

ویژگی این مرحله از مبارزات مردم انگلستان در این است که در تظاهرات وسیع فعلی هم مردم رنگین پوست و هم مردم سفید پوست شرکت دارند. بدین ترتیب دولت امپریالیست انگلستان دیگر نمی‌تواند ادعا کند که ریشه برخوردها در تضاد منافع سفیدپوستان و رنگین پوستان قرار دارد. مبارزات مردم انگلستان در حال حاضر خصلت ضد دولتی آشکار به خود گرفته و پایه‌های سرمایه‌داری فرتوت انگلستان را مورد حمله قرار می‌دهد.

اخبار کوتاه

وزارت بازرگانی آمریکا تصمیم گرفت امکانات

بیشتری برای چین جهت دستیابی به تکنولوژی مدرن آمریکا فراهم آورد. بیش از ۵۰ هزار تن از مردم اسپانیا در اعتراض به عضویت آن کشور در پیمان ناتو دست به تظاهرات زدند.

در شیکاگو هزاران نفر علیه سیاست‌های دولت ریگان دست به تظاهرات زدند.

پیشوای "کلیسای ارتدکس روس" اتحاد شوروی طی اعلامیه‌ای از رهبران و علمای مذهبی جهان دعوت کرد که طی کنفرانسی مسئله حفظ حیات در مقابل نابودی هسته‌ای را مورد بررسی قرار دهند.

"جو مک دانل" یکی دیگر از مبارزین ایرلندی در شصت و یکمین روز اعتصاب غذای خود درگذشت. مک دانل پنجمین زندانی سیاسی ایرلندی است که طی ماه‌های اخیر در اثر اعتصاب غذا جان خود را در راه آزادی ایرلند فدا کرده است.

دادستان ترکیه برای ۱۳۴ نفر که اکثر آنان از اعضای گروه‌های چپ ترکیه هستند تقاضای مجازات اعدام کرد.

چند پرستی و پاسخ درباره

انتخابات در اتحاد جماهیر شوروی

انتخابات فوری ۱۹۸۰ شوراهای محلی کارگران دهقانان ۶۸/۷٪ از نمایندگان را به خود اختصاص دادند و ۵۹/۹٪ نمایندگان انتخاب شده عضو حزب کمونیست نبودند.

س - آیا در شوروی آزادی مطبوعات وجود دارد؟

ج - در شوروی سرمایه‌داری اکثر مطبوعات تحت کنترل انحصارات بزرگ و عده معدودی از میلیونرها می‌باشد. این سرمایه‌داران هستند که مطبوعات را کنترل می‌کنند، خط سیاسی آن را مشخص می‌سازند و می‌توانند این یا آن روزنامه را تعطیل سازند.

در اتحاد شوروی عقیده بر این است که مطبوعات باید به تمام مردم زحمتکش تعلق داشته و بیانگر منافع آنان باشد. از این نظر مطبوعات تحت مالکیت شخصی هیچ فردی قرار ندارد و تمامی آنها از جانب سازمان‌های حزبی، ادارات دولتی شوروی، اتحادیه‌های صنفی، سازمان‌های اجتماعی، انجمن‌های ادبی، مذهبی، علمی و تکنیکی انتشار می‌یابند به عنوان مثال می‌توان از پراودا ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست با تیراژ بیش از ۱۱ میلیون و تروود ارگان اتحادیه‌های صنفی نام برد.

لیکن آیا مطبوعات شوروی حق انتقاد کردن دارند؟ براساس محاسبات انجام شده در شوروی قریب یک چهارم

و... بدین سان کسی نامزد شرکت در شوراهای خلقی خواهد شد که همگام بر این اعتقاد باشند که او نماینده شایسته خلق در ارگان‌های دولتی خواهد بود.

در اتحاد شوروی تمامی شوراهای نمایندگان خلقی از شوراهای محلی گرفته تا شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی ارگان قدرت خلقی بوده و حزب به جای آن نمی‌تواند کارکنند. مردم نمایندگان خود را چه کمونیست باشد و چه نباشد براساس شایستگی‌اش انتخاب می‌کنند و از آنجایی که همه طبقات، قشرها و گروه‌های اهالی و تمامی ملیت‌ها در شوراهای نماینده دارند، همه مردم امکان می‌یابند در اداره امور کشور برادرانه و دوش به دوش یکدیگر شرکت داشته باشند.

در سال ۱۹۷۹ نسبت نمایندگان غیر حزبی در عالی‌ترین ارگان قدرت اتحاد شوروی یعنی شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی به ۲۸/۷٪ رسید در همین سال در ترکیب شوراهای عالی اتحاد شوروی کارگران صنعتی ۳۴/۸٪، دهقانان ۱۶/۳٪، مزارع اشتراکی (کلکتیو) ۱۶/۳٪، مستخدمین کشوری ۱۸/۳٪، کارگران حزبی، اتحادیه‌های صنفی، اتحادیه جوانان کمونیست ۱۷/۹٪، نظامیان ۳/۷٪ و بقیه اهالی (مانند نویسندگان، معلمین، دانشمندان) ۹/۵٪ نمایندگان را به خود اختصاص دادند.

س - آیا در اتحاد شوروی کسی می‌تواند بدون آنکه عضو حزب کمونیست باشد در انتخابات شرکت کند؟

ج - در اتحاد شوروی عضویت در حزب کمونیست امتیاز ویژه‌ای برای شرکت در انتخابات مقامات دولتی و پارلمانی ببار نمی‌آورد و شهروندان اعم از اعضای حزب و یا افرادی که در حزب کمونیست عضویت ندارند، نمی‌توانند راساً خود را نامزد شرکت در انتخابات کنند. بر اساس قوانین اتحاد شوروی کاندیداها از جانب کلکتیوهای زحمتکش، اتحادیه‌های کارگری، سازمان‌های حزب کمونیست، کسومولها (سازمان‌های جوانان)، سازمان‌های کئوپراتیوی (تعاونی) و سایر سازمان‌های اجتماعی و دولتی معرفی می‌گردند.

در اتحاد شوروی اعضای حرفه‌ای پارلمان وجود ندارد. تمامی نمایندگان انتخاب شده از جانب مردم به کار دائمی خود مشغولند و تنها هنگام تشکیل اجلاسها از کار دائمی خود معاف هستند.

برای معرفی کاندیداها (که از جانب سازمان‌های ذکر شده معرفی می‌شوند) جلساتی تشکیل می‌شود و قابلیت‌ها و استعدادهای شخصی که قرار است در انتخابات شرکت جوید مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. آیا این شخص می‌تواند مصالح جمع را پیش برد؟ آیا دارای احساس مسئولیت کافی برای پیشبرد کارهای باشد

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

سالروز قیام ملی ۳۰ تیرگرمی باد

با اتحاد و حضور یکپارچه مردم در صحنه

می توان هر توطئه امپریالیستی را درهم شکست!

" قوام خیلی خسته و ناتوان به نظر می‌رسید . حالش بقدری بد بود که زیر بغلش را می‌گرفتند . . . با آمبول کمی حالش بهتر شد . . . خبرهای ضد و نقیض می‌رسید . واقعا گیج کننده بود . ناصردوالفقاری عرق ریزان از شهر رسید . گفت شهر شلوغ شده . . . ما با همه چیز خودمان بازی کرده‌ایم . . . "

قوام السلطنه در تمام این مدت در حال اغما بود . علاء وزیر دربار و یزدان پناه آمدند . . . علاء گفت :

قریان نزدیک ۵۰۰ نفر کشته شده‌اند . شهر خیلی شلوغ و خطرناک است . . . در تهران جوی خون جاری شده است . . . زدوخورد شدید بوده . وضع شهر انقلابی و خیلی وخیم است و باید چاره‌ای کرد " (خاطرات ارسنجانی یکی از همکاران نزدیک قوام السلطنه)

این جملات عجز و زبونی درباریان شاه و حامیان امپریالیست آن را ، از قیام توده‌های ۳۰ تیر بازگو می‌کند . قوام السلطنه نخست وزیر دست نشانده انگلیس که پس از استعفای مصدق "با توافق امپریالیست‌های انگلیس و آمریکائی زمام امور را در دست گرفت و در تاریخ ۲۶ تیر ماه با "قلدری" تمام اعلامیه معروف خود را خطاب به مردم ایران منتشر کرد و طی آن برای مردم چنین رجز خواند که : "وای به حال کسانی که در اقدامات مصلحانه (!!) من اخلال نمایند ! . . ."

آشوبگران با شدیدترین عکس العمل من روبرو خواهند شد ! . . . کيفر اعمالشان را در کنارشان می‌گذارم ! . . . " اما همین قوام تنها در فاصله ۴ روز به نیروی اتحاد مردم به هراس مرگ می‌افتد و به " حال اغما " فرو می‌رود .

اتحاد مردم و حضور یکپارچه آنان در خیابان‌ها که در دفاع از ادامه نهضت صورت گرفت و به قیام ۳۰ تیر انجامید ، علت اصلی وحشت بی‌پایان و هراس مرگ این جیره‌خواران استعمار انگلیس بود که منافع خود و اربابانشان را در آستانه

نابودی می‌دیدند . این اتحاد و پایداری توده‌های به دنبال استعفای مصدق در مبارزات مردم برای بازگرداندن وی - ولو به طور موقت - شکل گرفت و در همان مدت کوتاه خود ، به یکی از بزرگ‌ترین پیروزی‌های مردم ایران یعنی قیام ملی ۳۰ تیر انجامید .

مصدق که در جریان مبارزه برای ملی کردن نفت از سوی دربار و مجلس هفدهم شدیداً تحت فشار قرار گرفته و هر روز شاهد توطئه و دسائیس جنایتکارانه این مراکز سرسپرده به امپریالیسم علیه خود بود ، برای در اختیار گرفتن مقام وزارت جنگ و محدود کردن اختیارات شاه ، از نخست وزیری استعفا کرد .

امپریالیست‌های انگلیسی و آمریکائی که علیرغم اختلاف نظر در چگونگی تقسیم ثروت به غارت رفته ایران ، در سرکوبی نهضت توده‌های مردم میهنمان به توافق رسیده بودند ، با همکاری شاه کوشیدند از این حرکت مصدق بهره جسته و دولت ملی وی را ساقط کنند . شاه که حمایت اکثریت ارتجاعی مجلس هفدهم را در پشت سر داشت ، استعفای مصدق را بهانه قرار داده وقوام انگلیسی را مأمور تشکیل کابینه ساخت . اما مردم ایران در برابر این اقدام ضدانقلابی به پا خاستند .

از همان ابتدا برخی رهبران سازشکار جبهه ملی کوشیدند اعتراضات مردم را مهار کرده و آنرا وجه المصلحت اهداف سازشکارانه خود قرار دهند . هدف سازشکاران این بود که ضمن جلوگیری از قیام مردم ، برای تشکیل کابینه به ریاست فردی به نام معظمی که هم این رهبران را در قدرت سهیم کرده و هم مسئله ملی کردن نفت را به فراموشی سپارد با امپریالیست‌ها و دربار شاه به توافق برسند . برای دستیابی به این هدف خائنه و جلب نظر امپریالیست‌ها رهبری جبهه ملی که بخش اعظم آن روز به روز بیشتر به منجلاب خیانت و ورشکستگی در می‌غلطید ، به جای دعوت از مردم به دفاع قاطعانه از

مصدق ، خطاب به توده‌ها موعظه می‌کردند که : " با نهایت آرامش و متانت در این جنبش مقدس ملی شرکت فرمایند " ! (کیهان ۲۸ تیر ماه ۳۱) . رهبران سازشکار جبهه ملی می‌کوشیدند اعتراضات را در محدوده‌ای که تنها ، پشتوانه خواست‌های جبهه‌ها آنها از دربار باشد متوقف ساخته و به کانال‌های صرفاً مسالمت آمیز سوق دهند . تا فرصت توافقی با شاه از دست نرود ! روشن است که اگر حوادث بر وفق مراد این " رهبران " به جلو می‌رفت ، کاملاً محتمل بود که قوام السلطنه بر اوضاع مسلط شده و نهضت رهایی‌بخش و صداستعماری مردم ایران در همان روزها به دست امپریالیسم و ارتجاع داخلی در دریائی از خون خفه گردد .

در برابر این خط سازشکارانه ، نیروهای انقلابی می‌کوشیدند تا با اتکاء به مقاومت توده‌های تهاجم ارتجاع را درهم شکسته ، زمینه پیشرفت بعدی نهضت را فراهم سازند .

حضور متحد مردم در صحنه نقشه دشمنان انقلاب را در هم ریخت اعتراض مردم به روی کار آمدن قوام تا ۲۸ تیر هنوز ضعیف و محدود به تعطیل بازار و دکان‌ها در تعدادی از شهرها بود . با دعوت حزب توده ایران و آیت‌الله کاشانی به مقاومت و مبارزه ، این اعتراضات اوج گرفت . صبح ۲۹ تیر " جمعیت ملی مبارزه با استعمار " وابسته به حزب توده ایران " کلیه احزاب ، سازمان‌ها ، جمعیت‌ها و شخصیت‌های ضد استعمار " را " برای تشکیل یک جبهه واحد ضد استعمار " دعوت کرد . آیت‌الله کاشانی نیز ضمن تشویق مردم به مبارزه و پایداری به این دعوت به

طور غیر مستقیم پاسخ داده و طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام داشت :

" در مبارزه با اجنبی باید همه یک رنگ باشیم . . . امروز ملت ایران ، تمام افراد از زن و مرد و بزرگ و کوچک در تمام احزاب در این مقصد مقدس ، هم مقصد هستند . هر جمعیتی در این باب قیام کند ما با صمیم قلب می‌پذیریم " (کیهان ۳۰ تیر ۳۱)

در چنین وضعی بود که عملاً جبهه متحدی به وجود آمد و مقاومت مردم در برابر حکومت دست‌نشانده قوام به یک نبرد متحد و وسیع توده‌ای بدل شد . ابتدا کارگران نفت آبادان ، گردان پیش‌تاز انقلاب ، به میدان آمدند . تظاهرات کارگران آبادان توسط نیروهای پلیس و ارتش به خون نشست . چندین نفر شهید و زخمی شدند ، اما مقاومت مردم گسترش یافت . اوج مقاومت ، سیام تیرماه بود . در این روز توده‌های مردم به کوچه‌ها ریختند و با حضور یکپارچه خود در صحنه ضربت قاطعی بر ارتجاع وارد آوردند . واحدهائی از ارتش به مردم پیوستند . از جمله حبیب‌پیرمان افسر کمونیست از تانک بیرون آمده ، سردوشی‌های شاهنشاهی را کند و به مردم پیوست . این عمل شاه و دربار را نسبت به ادامه نبرد دچار تردید کرد و به عقب نشینی واداشت .

جناح راست جبهه ملی و حزب آمریکائی زحمتکشان مظفر بقائی ، که نقشه‌های خود را نقش بر آب می‌دیدند ، دوشادوش نیروهای ارتجاعی وابسته به دربار و امپریالیست‌ها کوشیدند صفوف مردم را دچار تفرقه ساخته ، آنان را در برابر هم قرار داده و زمینه سرکوب قیام را فراهم آوردند . اما از میان همه این دسائیس ارتجاعی ،

سرانجام این خلق بود که پیروز بیرون آمد . ساعت ۵ بعدازظهر ۳۰ تیر ماه خبر استعفای قوام از رادیو پخش شد . مصدق با رأی مردم مجدداً به نخست وزیری رسید . شاه عقب نشست و قیام ۳۰ تیر پیروز شد . بزرگ‌ترین عامل پیروزی قیام ۳۰ تیر ، اتحاد - هر چند موقت - نیروهای طرفدار انقلاب به ویژه حزب توده ایران و هواداران آیت‌الله کاشانی و حضور یکپارچه مردم در صحنه مقاومت بود . اتحاد و

حضور در صحنه رمز پیروزی هر خلقی است . تجارب و حوادث انقلاب کنونی مردم میهن ما این حکم تاریخ را یک بار دیگر به برجسته‌ترین وجهی به اثبات رسانده است . حضور وسیع مردم در صحنه مبارزه که توفنده و دشمن شکن می‌خروشد ، مرگ بر آمریکا . نقطه پایان بر هر تلاش جنایت‌کارانه امپریالیسم آمریکا و جیره‌خواران ریز و درشتش بوده است . متأسفانه علیرغم پیروزی درخشان سیام تیر ، بسیاری از نیروهای ضد امپریالیست از این واقعیت سترگ درس‌های لازم را نیاموختند . عدم پیگیری مشی اتحاد از سوی این نیروها و در پیش گرفتن سیاست ضدیت کور نسبت به یکدیگر و به ویژه نسبت به پیروان سوسیالیسم علمی به امپریالیست‌ها فرصت داد تا توطئه‌های بعدی را تدارک دیده و سرانجام در ۲۸ مرداد به هدف شوم خویش که شکست نهضت و حفظ سلطه چپاولگرانه به میهنمان بود ، موفق شوند . در این میان سیاست‌مماشات‌گرایانه دکتر منندق نسبت به امپریالیسم آمریکا و سیاست آشتی جویانه او با شاه و دربار و بی اعتمادی نسبت به کمونیست‌ها و همچنین برداشتهای نادرست آیت‌الله کاشانی و عواقب آن بیشترین ضریبات را به نهضت وارد

از میان اعلامیه‌ها و نشریات شاخه‌ها و هواداران سازمان

ترور شخصیت‌ها محکوم است

کروان‌نشانان - هواداران سازمان طی اعلامیه‌ای موج بمب‌گذاری و ترور شخصیت‌های مملکتی را محکوم نموده و این عمل مذبحخانه را آخرین تلاش امپریالیسم برای شکست انقلاب ارزیابی نموده‌اند. در این اعلامیه آمده است: "در شرایط کنونی شرط صداقت انقلابی و میهن‌پرستی این است که همه ما علیرغم سلیقه‌ها و عقیده‌ها و علیرغم انتقاداتی که ممکن است نسبت به پاره‌ای از عملکردهای نادرست جمهوری اسلامی داشته باشیم، متحد و یکپارچه به دفاع از انقلاب و رژیم جمهوری اسلامی برخیزیم و پشت دشمنان انقلاب را به خاک بمالیم."

ایجاد کشمکش و درگیری به زیان انقلاب است

شوشتر - این عنوان اعلامیه‌ای است که رفقای هوادار در شوشتر در رابطه با برخوردهای اخیر این شهر انتشار داده‌اند. طی این اعلامیه گسترش تشنج و ایجاد محیط هرج و مرج را به زیان انقلاب و به سود ضدانقلاب جهانی سرکردگی امریکا دانسته و اضافه نموده‌اند: "همانگونه که ایجاد درگیری و آفریدن جو تشنج مستقیماً به معنی تقویت جبهه ارتجاع و هارتشدن آن است در مقابل چنین حرکاتی برخورد غیراصولی و غلط نیروهای خط امام خود می‌تواند در تشدید و گسترش چنین جوی کمک بکند."

تفرقه، جدائی و جنگ خانگی خواست امپریالیسم است

مسجد سلیمان - در قسمتی از اعلامیه هواداران سازمان در مسجد سلیمان چنین آمده است: "همانطور که بارها مطرح نموده و در اعلامیه‌های اخیر خود نیز هشدار داده‌ایم، این بار هم اعلام می‌نمائیم که هرگونه درگیری و تشنج با هر نیت و از جانب هر نیرویی که صورت گیرد، به زیان انقلاب و خواست امپریالیسم است و متأسفانه به این هشدار ما پاسخ جدی از جانب ارگان‌های انقلابی شهرمان و هواداران سازمان مجاهدین داده نشده است."

تنها با حل مسالمت آمیز مسئله

کردستان میتوان توطئه‌های باند

جنایتکار قاسملو را ختنی نمود

ارومیه - به دنبال شهادت ۳۵ نفر در درگیری‌های روستای دارلک و نیز حمله به پاسگاه‌های توپوز آباد و پولادلو و همچنین اوضاع متشنج این منطقه، هواداران سازمان در ارومیه طی اعلامیه‌ای ضمن محکوم نمودن اعمال جنایتکارانه

باند قاسملو و برای مقابله با این توطئه‌های جنگ‌افروزان بر راه حل مسالمت‌آمیز مسئله کردستان تاکید کرده و اعلام نموده است که: مسئله کردستان را نمی‌توان با استفاده از شیوه‌های نظامی و با تکیه بر سیاست جنگ حل نمود بلکه تنها راه حل این مسئله جلب اعتماد از دست‌رفته توده‌های خلق کرد و پاسخگویی به خواسته‌های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی آنان می‌باشد. ما از اقدامات صلحجویانه و اصولی برخی از نهادها و شخصیت‌های جمهوری اسلامی و به‌ویژه مسئولان محلی در آذربایجان غربی حمایت می‌کنیم."

دست محترکین ضد انقلاب را از سر کشاورزان کوتاه کنیم

دزفول - هواداران سازمان در دزفول در اعلامیه‌ای با عنوان فوق ضمن اشاره به فرارسیدن فصل برداشت محصول آورده‌اند که: "عده‌ای سودجو و فرصت‌طلب از سرمایه‌داران و محترکین ضدانقلاب با خرید محصولات به قیمت بیشتر از دولت، سعی در انبار کردن آنها را دارند تا هم بر اقتصاد کشاورزی ضربه وارد کرده و هم فردا آنها را به چندبرابر قیمت به کشاورزان بفروشند سیاست مماشات‌طلبانه و برخورد غیرقانونانه با اینگونه عناصر، دست آنها را برای ضربه وارد کردن به پیکر انقلاب ما بازگذاشته است."

ضد انقلاب را افشاء کنیم (۱۳)

سران خائن بسیج عشایری را دستگیر کنید

لیبرال‌های جبهه ملی و محافل رسوای وابسته به حزب آمریکائی رنجبران به سرکردگی "فرخ سنجابی"، "جلال حیدری"، "سیدحسن خاموشی" و "همایون فرخی" تحت پوشش بسیج عشایری مشغول سازماندهی و تدارک توطئه‌های جدید علیه انقلابند. هدف این مزدوران که ایجاد ارتباط بین کانون‌های شورش و جنگ ضدانقلابی است، در سخنان یکی از نمایندگان برجسته آنها به بهترین وجهی بیان شده است. فرخ‌خان سنجابی یکی از سران اصلی بسیج عشایری و نماینده‌بنی‌صدر در یکی از جلسات ضدانقلابی، توطئه خود را چنین تشریح کرده است: "مسلح شدن ما باید ارتباط داشته باشد با مردم کردستان، لرستان، عشایر کاکاوند، جلالوند تا به ایل بختیاری و قشقایی وصل شود. قرار است ۲۰۰۰ نفر از ورزیده‌ترین افراد را آموزش بدهیم که در آینده کارهای زیادی داریم. اگر جنگ تمام بشود نازه‌کارما آغاز خواهد شد. کی - مورت یونسی، پرویز سیاس و فریبرز فیروزان (منهویی) از دیگر مزدورانی هستند که با ضدانقلابیون در کردستان ارتباط مستقیم دارند و اعلامیه‌های جبهه ملی و بختیار را تکثیر و توزیع می‌کنند. پس از عزل بنی‌صدر، رد پاس آنها در منطقه دیده شده که لازم است هرچه زودتر دستگیر و محاکمه انقلابی شوند."

از میان نامه‌ها

حرف‌های زحمتکشان

نامه یکی از زحمتکشان محله مسعودیه به روزنامه "کار"

رفقای نشریه کار سلام
با درود به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و تمام کسانی که در جبهه‌های جنگ علیه صدام نجاورگر و آمریکای جنایتکار پیکار می‌کنند.

نامه‌ای را که برای شما می‌نویسم صددرصد واقعیت دارد. من در محله کارگرنشین مسعودیه واقع در خیابان خاوران زندگی می‌کنم. ما در این محل آب آشامیدنی نداریم.

مدتی است که شخصی به نام "حاج پرویز" زمیندار معروف چاه آب زده و بابت آبی که به خانه‌ها می‌دهد دو هزار تومان پیش و ماهی چهل تومان می‌گیرد. کمبود آب و فشاری که "حاج پرویز" بر مردم زحمتکش مسعودیه وارد می‌کند باعث شد تا اهالی محل که کاسه صبرشان لبریز شده بود به مسجد بروند و از شورای مسجد کمک بخواهند. قرار شد روز جمعه اهالی در مسجد جمع شوند. در میان حاضرین روحانی مسجد و حاج پرویز نیز حضور داشتند.

در میان بحث، وقتی حاج پرویز متوجه شد که شورا به نفع او رای نمی‌دهد گفت: شورا بی شورا این چاه مال من است و خودم زحمت آن را کشیده‌ام و هر جور که بخواهم آن را اداره می‌کنم روحانی مسجد هم از حاجی پرویز دفاع کرد. حاجی پرویز که با اعتراض مردم روبرو شده بود به اتفاق روحانی محل به کمیته ۱۰ میدان خراسان رفت و مسئله را طوری جلوه دادند که کمیته پنج نفر را فرستاد و گفت اگر دوباره چنین کاری تکرار شود همه را دستگیر خواهیم کرد.

روز بعد اهالی پیش روحانی رفتند و از او خواستند که دوباره به کمیته برود و خواست‌های آنها را مطرح کند و آب را به شورا واگذار کند. اما باز هم روحانی گفت به من مربوط نیست آب مال حاجی پرویز است و اگر آب را به زور از او بگیریم حرام و گناه است.

خلاصه اینکه پس از این همه تلاش ما مانده‌ایم و چاه آب حاج پرویز که تا پول ندهیم از آب خبری نیست. ما هم چاره‌ای نداریم بهجز اینکه اگر از نان شبمان هم که شده بزنیم آب از حاج پرویز بخریم.

امیدوارم مسئولین سازمان - آب به این مشکلات ما توجه کنند و در این تابستان گرم ما را از شر حاج پرویز خلاص کنند.

به امید رهایی تمامی زحمتکشان
مرگ بر آمریکا

امضا - یکی از اهالی محل

●

●

●

●

●

●

●

پیروز باد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقه‌ای ایران

درباره قانون فعالیت احزاب

آیت و همفکرانش کوشیدند آزادی فعالیت‌های سیاسی را زیر علامت سؤال برند اما با مخالفت اکثریت نمایندگان روبرو شدند.

موارد بالا قطعاً مورد تأکید و حمایت و رعایت همه نیروهای انقلابی و میهن‌پرست است. ایراد و انتقادی که به ماده ۱۶ و موارد ذکر شده وارد می‌دانیم همان‌گونه که گفتیم بازبودن در، بر تفسیرهای متفاوت و متناقض با قانون اساسی است. برای نمونه باید معلوم شود که کتب و نشریات مضله چیست؟ آیا نشریات مضله تعریف معین و مشخصی دارد. و یا آنکه بسته به افراد و محاکم مختلف و مهم‌تر از آن بسته به شرایط و اوضاع و احوال این تعریف تغییر می‌کند و مثلاً شامل نشریات و کتبی می‌گردد که برای یک‌دوره "مضله" شناخته نمی‌شده است؟ و یا در بند ب از ماده ۱۶ که بدرستی هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات، تبادل و مواضع سیاسی و سفارتخانه‌ها، نمایندگی‌ها، ارگان‌های دولتی و احزاب کشورهای خارجی در هر سطح و به هر صورت که به آزادی، استقلال، وحدت ملی و مصالح جمهوری اسلامی ایران مضر باشد، دریافت هرگونه کمک مالی و تدارکاتی از بیگانگان، نقض آزادی‌های مشروع دیگران، ایراد تهمت، افتراء و شایعه‌پراکنی و نقض وحدت ملی و ارتکاب اعمالی چون طرح ریزی برای تجزیه کشور، تلاش برای ایجاد و تشدید اختلافات میان صفوف ملت با استفاده از زمینه‌های متنوع فرهنگی و مذهبی و نژادی موجود در جامعه ایران، نقض موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی، تبلیغات ضداسلامی و پخش کتب و نشریات مضله، اختفاء و نگهداری و حمل اسلحه و مهمات غیرمجاز ما مضمون همه موارد بالا را و بقیه موارد ذکر شده در قانون فعالیت احزاب را می‌پذیریم، به صلاح انقلاب و مردم می‌دانیم و همه گروه‌ها و نیروهای سیاسی میهن‌پرست و انقلابی را به رعایت این موارد فرا می‌خوانیم. جوهر و مضمون

و حیاتی است و از این زاویه بارها تنگ‌نظری‌ها و انحصار-طلبی‌ها را زیر ضرب گرفته‌ایم و از خطرات آن برای انقلاب سخن گفته‌ایم. برخورد ما با لایحه احزاب که اخیراً در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، براساس همین واقعیت‌های بالاست. قانون اساسی جمهوری اسلامی در قبال آزادی فعالیت‌های سیاسی چنین می‌گوید: احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.^۹ (اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) لایحه احزاب باید بگونه‌ای تنظیم می‌شد که اجرای اصل فوق را به صراحت و روشنی تضمین می‌کرد. لایحه احزاب با وجود آنکه در کلیت خود اصل فوق را در نظر داشته است، اما به دلایل ابهامات و تبصره‌های گنجانده شده در لایحه، جا برای ارائه تفسیرهای گوناگون از آن و محدود ساختن آزادی فعالیت‌های سیاسی احزاب تا اندازه‌ای باز گذاشته که قطعاً چنین امری با روح قانون اساسی و منافع و مصالح انقلاب و مردم سازگار نیست. این لایحه همان‌گونه که گفتیم با وجود همسره انتقاداتی که بر آن وارد است، در کلیت خود بر آزادی‌های مصرحه در قانون اساسی تأکید دارد. و از این نظر گامی است در جهت اجرای قانون اساسی و ایجاد شرایط و فضائی که به

و لگدمال کردن آزادی‌های سیاسی و اجتماعی مردم نیاز داشت، درست برعکس آن، انقلاب و حکومت برآمده از انقلاب برای تحکیم پایه‌های خود، برای تداوم انقلاب و ادامه مبارزه علیه امپریالیسم و نوکران آن، به آزادی‌های سیاسی منطبق با مصالح انقلاب و مردم، به حضور سیاسی مردم در صحنه و به مبارزه علیه همه مظاهر دیکتاتوری و اختناق نیازمند است. اگر در رژیم گذشته نیروهای مبارز و ضد امپریالیست و توده‌های پیا خاسته مردم که خواهان آزادی‌های سیاسی بودند، به دست رژیم سرکوب می‌شدند و این برای افزودن چند روزی به عمر ننگین رژیم لازم بود امروز حمایت از همه نیروهای مبارز و ضد امپریالیست و به رسمیت شناختن حقوق فردی، اجتماعی و سیاسی توده‌های مردم ایران لازمه تحکیم رژیم و تداوم مبارزات ضد امپریالیستی آن است و هر نوع سیاستی مغایر با آن به زیان انقلاب است. از این رو است که معتقدیم آزادی‌های سیاسی با جوهر و ماهیت حکومت برآمده از انقلاب سازگار و لازمه تحکیم آن است. ما همواره بر این واقعیات تأکید داشته و داریم که رعایت قانون اساسی و حفظ آزادی‌های سیاسی مصرحه در آن به سود انقلاب و جمهوری اسلامی است. از محدودیت آزادی‌های سیاسی نیروهای ضد امپریالیست و وفادار به انقلاب تنها دشمنان انقلاب بهره‌مند می‌شوند، لیبرال‌ها و دیگر دوستان امپریالیسم فرصت توطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی پیدا می‌کنند. ما همواره تأکید داشته و داریم که رعایت آزادی‌های مصرحه در قانون اساسی برای تحکیم وحدت صفوف مردم و برای تقویت جبهه انقلاب، شرطی ضروری

آزادی‌های سیاسی، آزادی‌های منطبق با مصالح مردم و انقلاب، یکی از هدف‌های مهم انقلاب خونین مردم ما بوده و هست. مبارزه مردم ما در راه آزادی بیان، آزادی نشر عقیده و بطور کلی آزادی فعالیت‌های سیاسی، مبارزه‌های حماسی، طولانی، سخت و خونین بوده است. مردم ما در این راه دشواری‌های زیادی را به جان خریده و جان‌های پاک فرزندان دلاور و مبارز خود را در این راه نثار کرده‌اند. از نهضت مشروطیت تا انقلاب بهمن، داستان مبارزات وسیع، حماسی و دلیرانه مردم ما علیه دیکتاتوری و استبداد، علیه اختناق و سرکوب داستانی عبرت‌انگیز، افتخارآفرین و بی‌تردید در جهان کم‌نظیر بوده است. خلق ما بهای سنگینی برای دفاع از شرف و حیثیت انسانی خود پرداخته است و قطعاً همواره برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب بهمن که پاسداری از آزادی‌های فردی و اجتماعی یکی از آن دستاوردهای گرامی و ارجمند است، حاضر به فداکاری و ایثار است. دیکتاتوری و خفقان شاهنشاهی که لازمه سلطه امپریالیست‌ها و نوکران آن بر میهن ما و بر مردم ما بود همان‌گونه که همه‌جهانیان ناظر و شاهد بودند، با اراده پولادین خلق ما به گور سپرده شد و همراه با آن سلطه سیاسی امپریالیسم از میهن ما رخت برپست و حکومت جمهوری اسلامی که حکومتی ملی و ضد امپریالیست و محصول انقلاب میهن است رهبری جامعه را به دست گرفت. اگر اقتدار شاه و دژخیمان او، اگر حکومت وابستگان و نوکران امپریالیسم برای ادامه سلطه جنایتبار و شوم خود بر میهن ما به دیکتاتوری و سرکوب توده‌ها

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

بقیه از صفحه ۱۴

درباره قانون...

است تفسیرهای متفاوتی ارائه کرد که به آزادی عمل مطبوعات که طبعاً باید اشتباهات و اعمال خلاف مصالح انقلاب را برملا سازند آسیب رساند و یا مثلاً در بند ح نقص موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی که به درستی و بحق از نظر ما مردود است، هرگاه تعریف مشخصی از آن ارائه نگردد، می‌تواند مورد تفسیرهای گوناگون و خلاف قانون اساسی قرار گیرد. در اغلب موارد ماده ۱۶ چنین وضعی وجود دارد. علاوه بر اینها در قانون فعالیت احزاب باید امکان استفاده احزاب از رسانه‌های گروهی کشور و بهره‌گیری از امکانات دیگر دولتی ذکر می‌شد که متأسفانه پیشنهاد برخی نمایندگان مجلس در این مورد با اختلاف کمی رد شد و به تصویب نرسید. همچنین در کمیسیون رسیدگی به امور احزاب که با شرکت نمایندگان دادستان کل کشور، شورای عالی قضایی، وزارت کشور و مجلس شورای اسلامی تشکیل می‌شود، نمایندگان سازمان‌های سیاسی شرکت ندارند در حالیکه درست آن بود در جریان بررسی امور مربوط به هر یک از جریان‌های سیاسی، نماینده‌ای از این جریان‌ها نیز در کمیسیون شرکت کنند. چنین امری در مجلس پیشنهاد شد اما به تصویب نرسید. مطابق ماده ۱۳ این قانون: مرجع رسیدگی به شکایات گروه از کمیسیون موضوع ماده ۱۰ محاکم دادگستری با رعایت اصل ۱۶۸ قانون اساسی می‌باشد و رای صادره قطعی است. اینکه تأکید شده به شکایات گروه‌های سیاسی با رعایت قانون اساسی رسیدگی شود، امری مثبت و سودمند است لیکن عبارت "رای صادره قطعی است" هرگاه به این مفهوم باشد که این دادگاه‌ها می‌توانند حکم توقیف پروانه و یا حتی انحلال گروه‌های سیاسی را

بطور قطعی صادر کنند، نادرست و زیانبار است. توقیف پروانه و یا انحلال یک گروه‌امری بسیار مهم و در برخی اوقات موجب پیامدهای بسیار مهم در کشور است. ما در گذشته گفتیم و باز هم می‌گوئیم که تصمیم‌گیری قطعی در این‌گونه موارد باید به عالی‌ترین مرجع قضایی کشور و یا به خود مجلس شورای اسلامی محول گردد. به‌رحال آنچه اینک در خور اهمیت حدی است اجرای درست این قانون به‌گونه‌ای منطبق با قانون اساسی و مصالح انقلاب است. هرگاه مجریان قانون، واقعا به قانون اساسی جمهوری اسلامی وفادار باشند و صادقانه بخواهند قانون اساسی رعایت گردد، قانون‌کنونی احزاب می‌تواند در خدمت انقلاب، تفاهم ملی و استقرار آزادی‌های سیاسی مصرح در قانون اساسی قرار گیرد و البته در غیر این‌صورت امکان تفسیرهای زیانبار وجود خواهد داشت. ما بنوبه خود اعلام می‌داریم که مطابق سیاست سازمان ما که دفاع از انقلاب، دفاع از جمهوری اسلامی و حاکمیت قانون را اجزائی غیرقابل تفکیک می‌داند، حاضر به هر نوع تلاش و کوششی که بتواند قانون اخیر را مطابق مبانی قانون اساسی به اجرا درآورد هستیم و همه گروه‌های سیاسی مومن و معتقد به انقلاب، همه کسانی را که خواستار استقلال و آزادی میهن هستند، به چنین کار خطیر و مهمی که به‌ویژه در شرایط حساس میهن اهمیت حیاتی دارد، فرا می‌خوانیم. ما انتظار داریم که حکومت جمهوری اسلامی بتواند با مهار کردن محافل تنگ‌نظر و انحصارطلب که عملاً در جهت مخالف استقرار قانون و آزادی‌های سیاسی حرکت می‌کنند، گام‌هایی مثبت در استقرار آزادی‌های سیاسی که قطعاً به سود انقلاب و به زیان همه نیروهای ضدانقلاب است، بردارد.

درحاشیه تصویب قانون احزاب در مجلس شورای اسلامی

جناح آیت در عمل کوشید با الحاق مواد و تبصره‌هایی به لایحه احزاب عملاً اجرای قانون اساسی را به خطر اندازد و اوضاع و احوالی پدید آورد که در عمل آزادی فعالیت‌های سیاسی میسر نگردد. برای نمونه آیت پیشنهاد کرده بود که هر جریان سیاسی تعداد اعضا و نام آنها را مشخص کند که خوشبختانه با اکثریت آراء رد شد. قطعاً آیت و جناح او می‌دانستند که در صورت تصویب چنین پیشنهادی عملاً آزادی فعالیت‌های سیاسی به خطر می‌افتاد چرا که هیچ سازمان سیاسی به‌ویژه در شرایط کنونی ایران که امپریالیسم و نوکران داخلی آن علیه نیروهای انقلاب حاضر به هر جنایتی هستند لیست افراد خود را منتشر نمی‌سازد. علاوه بر این آیت و جناح او کوشیدند در قانون احزاب تصریح گردد که هر عملی که اقدام علیه جمهوری اسلامی تلقی گردد، نه جرم سیاسی بلکه جنایت محسوب گردد! در واقع همواره ممکن است یک یا برخی از اقدامات گروه‌های سیاسی مومن به انقلاب و وفادار به جمهوری اسلامی که بر مبنای قانون اساسی فعالیت می‌کنند، به دلایل خطای گروه سیاسی معین و یا تفسیر نادرست مجریان و قانونگذاران به نوعی، مغایر با مصالح جمهوری تلقی گردد. هرگاه چنین اقدامات و خطاهای سیاسی، جنایت محسوب شود، عملاً روند معمول فعالیت‌های سیاسی قانونی و منطبق با موازین انقلاب ایران زیر علامت سؤال قرار می‌گرفت. خوشبختانه این تلاش حساب شده و تحریک‌آمیز نیز که قطعاً به زیان جمهوری و به سود دشمنان انقلاب تمام می‌شد، با هشیاری اکثریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی خنثی شد و به تصویب نرسید و بدین ترتیب می‌توان گفت که فعالیت‌ها و تلاش‌های جناح آیت برای جلوگیری از استقرار قانون عملاً با شکست روبرو گردید.

کمک‌های مالی دریافت شده

ن	م	ط	ح	الف و ت
۴۱۲۲	۲۰۰۰۲	۲۰۱۸	۲۲۳۴	۲۰۱۴
۲۰۳۰	۲۰۳۲	۲۰۲۰	۱۰۱۲۲	۲۸۸۸
۵۱۹	۵۱۲۴	۵۰۱	۱۰۱۰۰	۸۴۴
۱۰۰۲	۳۵۰۰	۲۰۳۰	ت	۶۲۳
۲۰۱۱۵	۲۰۳۰	۱۰۳۰	۱۲۰۱	۵۸۰۰
۱۰۱۲	۲۱۱۵	۱۰۳۰	۱۱۰۰	۲۵۵
۷۷۱۲	۱۰۰۳	۵۱۲۱	۷۰۲۰	۶۳۰
۷۰۲۸	۵۱۲۵	۸۲۷	۱۰۱۷۵	۱۶۹۹۹
۶۱۱	۱۰۰۲	۹۱۹	۱۲۱۲	۱۱۵۰۴
ه	۶۴۴۴	ع	۲۱۱۱	۶۲۲۲
۱۰۰۵۷۴	۳۵۵۵	۲۰۴۶	۱۷۷۷	۱۰۵۲۴
۲۰۰۲	۱۵۹۲۵	۱۶۶۶	۱۶۳۹	۶۵۰
۱۰۰۰۶	۳۰۱۱	۱۹۸۷	د	۲۷۲۴
۱۰۰۰۰	۲۷۱۲	۵۱۱۱	۲۱۱۸	۶۳۱۲
ی	۱۷۷۷	۲۰۰۲	۶۳۱۲	۱۶۸۱۲
۳۰۹۳	۳۵۵۵	۱۰۰۱۹	۱۱۱۸	۲۴۲۴
۱۳۷۴۵	۱۵۹۲۵	۳۵۳۰	۲۷۷۷	۵۰۱۹
بدون حرف اول نام	۳۰۱۱	۱۶۶۶	۴۵۰۰	۲۳۸۶
۲۲۰۱	۳۱۰۰	۱۹۸۷	۴۵۰۰	۲۰۶۸۰
۲۰۲۷	۳۰۵۰	۵۱۱۱	۲۰۰۰	۳۲۶۱
۲۱۱۱	۲۱۷۲	۲۰۰۰	۱۰۱۱۱	۲۱۱۱
۲۱۱۱	۴۰۰۲	۴۱۷۵	۲۱۰۰	۱۶۱۱
۱۵۷۲	۲۱۲۳	۱۷۱۱	۱۷۰۸	۶۲۱
۱۰۱۱۶	۱۵۶۶	غ	۶۳۰	۵۱۶۱
۶۲۱	۵۲۵۰	ن	۱۱۲۵	۲۶۰۱
۵۱۱۶	۱۰۱۱	۱۳۰۰۰	۲۰-۵۰۰۵۵	۵۰۲۲
۲۰۱۱	۴۶۸۹	ف	۲۱۰۰	۲۱۲۰
۵۶۳۲	۳۰۳۷	۱۴۱۸	۱۴۱۸	۲۱۱۱
۵۱۲۰	۱۰۱۱	ز	۲۳۳۲	۲۳۳۲
۱۱۲۱	۲۰۲۷	۳۱۱۲	۷۳۳	۲۲۱۰
۵۱۱۱	۲۱۱۱	۳۶۱۱	۲۰۰۲۵	۳۱۲۳
قلک شهری ۲۰۰۰ ریال	۳۱۱۹	۳۱۱۹	۲۶۶۶	۳۳۰۳
س ۲۲۲ هدیه تان رسید	۵۰۰۲	۵۰۰۲	۳۸۳۲	۱۱۱۱
رفیق سالاری سنقر کلیائی شعر شما رسید	ق	ز	۱۲۱۷	۲۷۷۷
هدیه ج ۶۰۰۰ ریال	۳۲۱۱	۵۱۲۵	۱۰۵۹۳	۱۶۰۷
جمعی از رفقای هوادار ۸۵۰۰ ریال	۲۰۵۰	۳۲۳۴	۱۶۰۸	۱۲۵
عروسی دروشتر ۲۷۳۵۰ ریال	۵۹۹۹	س	۱۲۵	ت
از عروسی دورفیک ۱۲۵۰۰ ریال	ک	۱۰۰۴	۴۰۰۳	۷۰۱۰
هدیه شماره رسید	۱۴۷۷	۲۰۱۳	۳۲۱۴	۵۱۱۱
سردشت ۱۵۰۰ ریال	۱۴۷۷	۱۳۱۱۱	۱۲۲	۱۱۴۱
حمید منقذی خدمت ۵۶ ریال	۱۴۷۷	۲۱۰۰	۸۰۰۰	۵۰۲۰
زهرا ۱۰۰۰۰ ریال	۱۴۷۷	ک	۵۴۵۶	۱۰۹۹
س ۲۹۵۰	۱۴۷۷	ج	۱۰۹۹	۱۰۳۱۰
رفقای ب ۱۹ از اسلام آباد	۱۴۷۷	ش	۲۱۱۷	۲۱۱۷
غرب ۱۰۰۰۰ ریال	۱۴۷۷	۳۱۱۲	۱۱۲۳	۵۳۰۰
کارگران آواره کرمانشاه	۱۴۷۷	۵۰۱۵	۳۱۱۲	۵۰۱۵
۳۲۰۰ ریال	۱۴۷۷	۲۰۰۰	۵۰۱۵	۲۰۰۰
جوشکار هس	۱۴۷۷	۱۵۰۰۱	۱۱۲۳	۱۵۰۰۱
هواداران همدان ۷۰۰۰ ریال	۱۴۷۷	ع	۱۱۲۳	۹۸۰۵
رفیق م از غرب ۲۵۰۰ ریال	۱۴۷۷	ح	۱۱۲۳	۹۸۰۵
رفیق ک از غرب ۵۰۰ ریال	۱۴۷۷	ص	۱۰۱۱۲	۶۷۲
آزاد ۵۵۵۵	۱۴۷۷	۱۶۶۶	۶۷۲	۱۶۶۶
توده سرخ از اسلام آباد غرب	۱۴۷۷	۵۳۶۱	۶۷۲	۵۳۶۱
۵۰۰ ریال	۱۴۷۷	۸۳۲	۶۷۲	۸۳۲
قاسم از اصفهان ۱۰۰۰ ریال	۱۴۷۷	۵۱۱۶	۶۷۲	۵۱۱۶
حمید از شهرضا ۱۰۰۰ ریال	۱۴۷۷	۱۱۵۰۰	۶۷۲	۱۱۵۰۰
کارگران پیشرو از قائم شهر	۱۴۷۷	ج	۱۰۱۱۲	۶۷۲
۲۲۰۰۰ ریال	۱۴۷۷	ح	۱۰۱۱۲	۶۷۲
ش ۶۰۰ ریال	۱۴۷۷	ص	۱۰۱۱۲	۶۷۲
هواداران پشت پرورشگاه	۱۴۷۷	۱۶۶۶	۱۰۱۱۲	۶۷۲
۱۵۰۰۰ ریال	۱۴۷۷	۵۳۶۱	۱۰۱۱۲	۶۷۲
سازمان دانشجویان ایرانی	۱۴۷۷	۸۳۲	۱۰۱۱۲	۶۷۲
مقیم فرانسه ۷۰۰۰۰ ریال	۱۴۷۷	۵۱۱۶	۱۰۱۱۲	۶۷۲
و س از جنوب ۸۵۰۰ ریال	۱۴۷۷	۱۱۵۰۰	۱۰۱۱۲	۶۷۲
هدیه عروسی حشمت السادات و منوچهر ۴۵۰۰ ریال	۱۴۷۷	۱۱۵۰۰	۱۰۱۱۲	۶۷۲
هدیه عروسی پ ۳۰۰۰۰ ریال	۱۴۷۷	۱۱۵۰۰	۱۰۱۱۲	۶۷۲
دکه هواداران اهواز	۱۴۷۷	۱۱۵۰۰	۱۰۱۱۲	۶۷۲
۴۰۰۰ ریال	۱۴۷۷	۱۱۵۰۰	۱۰۱۱۲	۶۷۲
از یول عیدی ۴ رفیق کارگر شرکت	۱۴۷۷	۱۱۵۰۰	۱۰۱۱۲	۶۷۲
نفت ۴۰۰۰۰ ریال	۱۴۷۷	۱۱۵۰۰	۱۰۱۱۲	۶۷۲

محاكمه و مجازات عظیم معبودی عامل قتل عام‌های قارنا، ایندرفاش، قله‌تان آغازی تازه برای پاسخ صلح جویانه به حقوق خلق کرد

• بازداشت و محاکمه معبودی، محاکمه خطی است که در آتش‌افروزی جنگ برادرکشی در کردستان نقش بسیار خائنه‌ای ایفاء کرده و همواره در راه رسیدن به صلحی پایدار در کردستان کارشکنی کرده است.

کار ۱۰۷ گفتم سیر این روند موقتا دچار اختلال شد بطوری که: "بجای رسیدگی به جنایات ملاحسنی و معبودی و شرکاء، مخالفان آنان تصفیه و افراد صادق و ترقیخواه سپاه پاسداران، نقده و ارومیه که با اعمال جنایتکارانه این دار و دسته به مخالفت برخاسته بودند، مشمول تصفیه شده و اخراج گردیدند به همین دلیل بلافاصله در کار هشدار دادیم که:

"در میان حیرت و ناباوری زحمتکشان منطقه سر و کله این مزدوران یگی پس از دیگری پیدا شده است... با وجود آنکه معبودی دیگر در ارگان‌های دولتی سمتی ندارد، اما پس از بازگشت به کمیته محل و گروهان پاکسازی محمدیار و هنگ ژاندارمری رفت و آمد می‌کند. وی در گروهان پاکسازی سخنرانی کرده و گفته است "مسئله کردستان

سرانجام عظیم معبودی ساواکی پیش از انقلاب و "خلق مسلمانی" پس از انقلاب دستگیر شد! معبودی که از آغاز استقرار رژیم جمهوری اسلامی ایران با حمایت محافظی از حاکمیت و اشخاصی نظیر ملاحسنی امام جمعه ارومیه نقش بسیار مخرب و جنایتکارانه‌ای در منطقه آذربایجان غربی داشته است، عاقبت بعد از افشاگری‌های پیگیر نیروهای مدافع انقلاب و اخیرا شورای پاسداران ارومیه و روزنامه جمهوری اسلامی، دستگیر شد.

ما در شماره‌های متعدد کار ماهیت کثیف معبودی و نیز دار و دستاش و نیز جنایت‌هایی را که به نام جمهوری اسلامی در منطقه آذربایجان غربی انجام داده بود، بارها متذکر شدیم و پیش‌بینی کردیم که سرانجام ماهیت چنین عناصر پلیدی بر نیروهای مردمی جمهوری اسلامی ایران روشن خواهد شد.

حدود ۶ ماه پیش بود که شورای پاسداران ارومیه به مبارزه آشکار با این عنصر و همپالکی‌هایش دست زد و متعاقب آن، روزنامه جمهوری اسلامی در یکسری مقالات پرده از جنایت‌های معبودی و حامی اصلی او ملاحسنی برداشت و به دنبال اقدامات ترقیخواهانه فوق ما در کار ۱۰۳ تاکید کردیم:

"در مورد افشای ارتباط ملاحسنی با عناصر معلوم - الحالی چون معبودی، مراد قطاری و محرر و نیز فتوادل‌ها و سرمایه‌داران و مقابله با آنها شورای سپاه تلاش‌های قابل تحسینی انجام داده است" و عمل شجاعانه روزنامه جمهوری اسلامی اقدام در خور تحسینی است. متأسفانه همانگونه که در

نخواهند توانست برای همیشه مسئولین جمهوری اسلامی را بفریبند و از همین روی خبر بازداشت این جنایتکار ضدانقلابی را با مسرت استقبال کردیم.

پرونده سپاه این فرد ساواکی، عضو حزب ایران

باید از درون حل شود و لازم است ارباب‌هایی مثل امیر عشایرها، زرزها و مجید خان‌ها و... از طرف دولت مسلح شوند و ستاد بسیج عشایری به وجود آورند. ولی در عین حال ما مطمئن بودیم که ضد انقلابیونی مانند معبودی

نوبین شاه، ترتیب‌دهنده مراسم استقبال از "فرح" زن شاه معدوم، رئیس انجمن شهر ساواک‌پسند شهر نقده و یکی از بزرگترین سرمایه‌داران این شهر آشکارتر از آن است که احتیاج به توضیح مجدد داشته باشد و در پرونده سپاه‌تر آن در دوران پس از انقلاب، بقدری جنایت حک شده که خود را از معرفی بیشتر آن بی‌نیاز می‌بینیم. او یکی از عوامل اصلی جنایت جانگداز نقده در ۳۱ فروردین ۵۸ بود که منجر به شهادت و زخمی شدن صدها تن از زحمتکشان کرد و ترک شد. قتل عام اهالی زحمتکش و بلاکشیده روستاهای "قارنا"، "قلاتان" و "ایندرفاش" به شهادت نامه‌ای که صادق خلخالی در آبان‌ماه سال ۵۸ به امام خمینی نوشت، مستقیما توسط باند همین شخص صورت گرفت. به شهادت روزنامه جمهوری اسلامی، همه آن مین‌گذاری‌هایی که جز قتل عام دهها نفر دهقان زحمتکش ترک و کرد، هیچ نتیجه دیگری نداشت، مستقیما زیر نظر او انجام می‌شد.

تسلیح فتوادل‌های منطقه نقده و سلدوز، نظیر امیر فلاح‌ها، امیر عشایرها و خسروی‌ها و... توسط ملاحسنی، بدون استثناء همگی به توصیه معبودی صورت گرفت و بالاخره همانگونه که شورای پاسداران به درستی خاطر نشان کرده‌اند، وجود معبودی و مزدورانش و در رأس آنها بدسابقه‌ترین فرد شهر نقده یعنی مراد قطاری، از عواملی بودند که مانع از تحقق امر صلح در کردستان‌اند. اما نکته اصلی اینجاست که بدانیم معبودی هرگز نمی‌توانست به تمام جمهوری اسلامی مهلک‌ترین ضربات را بر آن و انقلاب وارد آورد، مگر اینکه بستر سیاسی مناسبی در این جمهوری برای فعالیت‌های ضدانقلابی‌اش پیدا می‌کرد. این بستر سیاسی هم چیزی جز سیاست غلط و مخرب جمهوری اسلامی بطور عام و بقیه در صفحه ۱۷

نشریه کار بارها و بارها ماهیت عظیم معبودی را افشاء کرده است. نمونه‌های بالا چند مورد از این افشاگری‌ها را نشان می‌دهد.

اینها گوشه‌هایی از دهها سند منتشر شده از سوی نیروهای انقلابی است که همگی آنها دال بر ماهیت ضدانقلابی معبودی است.

تسخیر ظفرمند نوسود بر همه رزمندگان جبهه و پشت جبهه مبارک باد

ده ماه مقاومت قهرمانانه در برابر توطئه‌های امپریالیسم آمریکا ده ماه حماسه آفرینی در جنگی عادلانه در برابر صدام جنایتکار ده ماه ایثار و فداکاری در جبهه و پشت جبهه همه‌گواه از حقانیت انقلاب شکوهمند و مردمی مای می دهند.

اکنون با گذشت ده ماه، رزمندگان با عزمی به سختی فولاد، هر روز بر پیروزی‌های بیشتری دست می‌یابند و در برابر انواع توطئه‌ها و ترفندهای امپریالیسم، ارتجاع منطقه و رژیم جنایتکار صدام عزم استوارتری از خود نشان می‌دهند.

پیروزی‌هایی که بعد از عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا، این پرچمدار خطی که می‌خواست "شعار مرگ بر آمریکا به فراموشی سپرده شود" نصیب نیروهای مسلح جمهوری شده است، ثابت می‌کند که این عزم با حذف خط سازش، استحکام و استواری یافته است.

هر روز شاهد آنیم که رزمندگان ما با هماهنگی هر چه افزون‌تر در جنوب و جنوب غربی میهنمان به پیروزی‌های چشمگیری نائل می‌آیند و مواضع استراتژیک بیشتری را از دست دشمن خارج می‌کنند.

رزمندگان خلق در جبهه و خود خلق در پشت جبهه برآنند تا دفع کامل تجاوز از میهن انقلابی و دستیابی به صلحی عادلانه و پایدار، همچنان این نبرد را استوار و نیرومند به پیش برانند.

تسخیر ظفرمند نوسود، حاکی از رزمندگی، هماهنگی، ایمان و اعتقاد به انقلاب و عشق به میهن و مردم انقلابی است.

تصرف پیروزمندانه نوسود، نشانگر آن است که دور جدیدی در نبرد عادلانه کنونی آغاز شده است. دوری که در آن یک‌به‌یک شهرهای به اشغال درآمده آزاد می‌شود و دشمن آبرو باخته گام به گام هزیمت‌اختیار کرده و از خاک سرزمینمان عقب می‌نشیند.

باز پس گرفتن قهرمانانه نوسود و پاکسازی آن از دشمن متجاوز، بر رزمندگان حماسه آفرین سراسر میهن در جبهه و پشت جبهه، بر دلاوران جان برکف سپاه پاسداران، ارتش و بسیج مبارک باد!

بقیه از صفحه ۱۲

با اتحاد و حضور...

همه قلم‌ها و مسلسل‌ها را به سوی امپریالیسم آمریکا نشانه روند، این اساسی‌ترین شرط انقلاب خونبار مردم ما و تعمیق و تثبیت آنست.

سازمان ماضن گرامیداشت خاطره جاویدان شهدای به خون خفته قیام ۳۰ تیر که در راه استقلال و آزادی میهن به خون تپیدند، همه نیروهای انقلابی، به ویژه پیروان اصیل "خط امام" را به اتحاد با مبارزین راستین سوسیالیسم علمی، علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی جنایتکار آمریکا دعوت می‌کند.

آورد و موجب شکست نهضت ملی گردید. اگر در آن سالها رهبران جنبش با روی گرداندن از سیاست اتحاد با کمونیستها اساسی‌ترین شرایط سرکوب نهضت رهایی‌بخش را فراهم آوردند، امروز مردم ایران تکرار این خطا را از سوی هر نیرویی که باشد، نخواهند بخشید. باید از تجارب تاریخ درس آموخت. درس آموزی از این تجارب خود بزرگ‌ترین قدردانی از مبارزات توفنده خلق و شرط وفاداری به آرمان شهدای خلق است بر همه نیروهای انقلابی است که از این تجارب بیاموزند، دست‌ها را در دست یکدیگر نهاده و

بقیه از صفحه ۱۰

تهی کردن ارتش از...

پاره‌های موارد حذف کردید و کار تا آنجا پیش رفت که دفتر هماهنگی بنی‌صدر در صدد گشایش دفتر نظامی برای کنترل مستقیم همه نیروها برآمد. هدف از گشایش این دفتر، آن بود که مسائل عمده‌ای چون صلح و مذاکره و سیاست جنگ و دیگر وجوه حساس را که بر کلیت انقلاب سایه می‌افکند، بر محور طرح‌ها و تاکتیک‌های سازشکارانه و ضدانقلابی خود و شرکایش برنامه‌ریزی کنند. طبیعی بود که در چنین شرایطی عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا و سپس طرد او از همه عرصه‌های انقلاب اقدامی انقلابی و دفع خطری عظیم از دامن انقلاب شکوهمندمان بود. اینک این سپهسالار بدون سرباز! از ترس حانش به سوراخی خزیده و صحنه نبرد را ترک گفته و ارتش ما

را به گردن نیروهای خط امام بیاندازد. جالب‌تر آنکه توسط فرماندهان همفکر خود پاسداران را از این تسلیحات و تجهیزات نیز محروم می‌داشت و یا از آنان هزینه‌اش را طلب می‌نمود! بنی‌صدر در تضعیف نهادهای انقلابی و فرماندهان خط امام در ارتش تا مرز تهدید جدی شکست جبهه‌ها و بر باد دادن حیثیت عمومی انقلاب پیش رفت. آن دسته از فرماندهان متعهد و در خط امام که واقعا در راستای انقلاب قرار داشتند و روند معمول جنگ به انتخاب طبیعی آنها در راس نیروهای رزمنده منجر می‌شد. توسط بنی‌صدر و دستیارانش به زیر کشیده می‌شدند. نظارت روحانیت مبارز و نیروهای خط امام بر فعل و انفعالات درون ارتش توسط بنی‌صدر محدود و در

بقیه از صفحه ۱۶

محاكمه و مجازات عظیم معبودی...

تعمیق خود را با سرعتی هرچه بیشتر طی نماید. دستگیری و محاکمه معبودی در عین اینکه محاکمه یک ساواکی خلق مسلمانی توطئه‌گر علیه جمهوری اسلامی است. در عین حال محاکمه خطی است که در ارتش افروزی جنگ برادرکشی در کردستان نقش بسیار خائنه‌ای ایفا کرده و همواره در راه رسیدن به صلحی پایدار کارشکنی کرده است. به همین دلیل هم محاکمه قاطع او، در بهبود موقعیت سیاسی جمهوری اسلامی در میان توده‌های مردم کردستان به نحو محسوسی موثر خواهد بود.

محاکمه انقلابی معبودی و رساندن او به سزای جنایت‌های بی‌شمارش، باعث آن خواهد شد که زحمتکشان منطقه بدانند که جمهوری اسلامی می‌خواهد

بقیه در صفحه ۱۸

وی همراه کرد. و تا با این محاکمه باید به اعتقاد بی‌امان از سیاست بدفکارت انحرافی که ماسعافه با امروز نیز تصحیح شده است و با احقاق حقوق و مطالبات برحق مردم کردستان یعنی حل صلح‌آمیز مسئله کردستان همراه شود.

ما حمایت قاطع خود را از اقدام جمهوری اسلامی در مورد بازداشت این ضدانقلابی جانی اعلام می‌داریم و معتقدیم که بازداشت و محاکمه آن، مستقیما در خدمت مبارزه علیه دشمنان انقلاب و در جهت تعمیق انقلاب است. محکوم نمودن این عنصر مزدور سبب می‌شود آن سیاستی که به جای تکیه بر مردم بر فتوادل‌ها سرمایه‌داران و چنین عناصر مزدوری تکیه می‌زند، بیش از پیش منفرد و منزوی گردد و انقلاب روند گسترش و

دولت موقت اسرائیل‌ها بطور خاص پیرامون حقوق ملی مردم کرد نبود. معبودی بدتتها تحت حمایت و ربر علم کسانی چون ملاحسی نمی‌توانست مرتکب ایهمه جنایات و خیانت‌ها در حق مردم زحمتکش ترک و کرد و بطور کلی همه مردم ایران گردد. خط سیاسی که ویژگی‌های تاریخی و قومی خلق کرد را نادیده می‌گرفت و به جای حل مسالمت آمیز مسائل کردستان بر جنگ و برادرکشی و انکار حقوق مسلم خلق کرد تاکید داشت. پرورش دهنده معبودی‌ها و مشوق ملاحسنی‌ها در ارتکاب جنایات بی‌شمار در کردستان است. و به همین دلیل هم است که می‌گوئیم محاکمه او اولاً باید با روشن کردن جنایات همه حامیان آن در منطقه و در راس آن ملاحسنی توأم باشد و با محاکمه همه سردستان باند جنایت‌پیشه

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

اخبار شهرستانها

زمینها و باغات فتودال بانفوذ باغملک ایده را مصادره کنید

ایدم - شراله آفپور " فتودال بانفوذی که در باغملک از توابع ایده دهها هکتار زمین و باغات را در تصرف دارد، با حمله به روستائیان و مجروح کردن آنان سعی در به آشوب کشاندن منطقه دارد. وی به همراه عدهای از عواملش به روستائیان مراجعه می کند و از آنان اجاره و بهره مالکانه می خواهد و هنگامی که با مقاومت روستائیان روبرو می شود دستور می دهد آنان را به شدت مضروب نمایند. متأسفانه بعضی از مسئولان دادگاه انقلاب و ژاندارمری از این فتودال و مزدورانشان دفاع می کنند و موجب هارتر شدن وی می گردند.

روستائیان زحمتکش باغملک خواهان دستگیری و مصادره زمینها و باغات شراله آفپور و سایر فتودالهای منطقه و رسیدگی به اعمال خلاف ژاندارمری و حامیان فتودالها در دادگاه انقلاب ایده هستند.

وزیر کشاورزی: سرسپردگان امپریالیسم عاملان آتش زدن خرمنها هستند

در چند هفته گذشته همزمان با برداشت محصولات کشاورزی، آتش زدن خرمنها به دست فتودالها و عوامل مزدور امپریالیسم بالا گرفته است. ضدانقلاب مذبحخانه در تلاش است تا با آتش زدن خرمنها، آتش خشم و کینه خود را نسبت به زحمتکشان فروکش کند. در برابر این حرکت ضدانقلابی، روستائیان با یاری جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی و نیروهای مردمی به حفاظت خود از مزارع افزوده اند و تاکنون تعدادی از آتش افروزان خرمنها را دستگیر کرده اند. در این رابطه وزیر کشاورزی نیز اطلاعاتی صادر کرد و به درستی عوامل اصلی اینگونه توطئهها را سرسپردگان امپریالیسم دانست. ما ضمن تأیید مفاد این اطلاعیه، قسمت هایی از آن را به چاپ می رسانیم:

"ضدانقلاب و سرسپردگان امپریالیسم جهانخوار بسرکردگی امریکا با توجه به فصل جمع آوری محصول،

خرمنهای روستائیان را که حاصل یک سال تلاش و زحمت آنها در جهت تأمین مایحتاج جامعه و قطع وابستگی میهن اسلامی است، به آتش کشیده و نابود می کنند. بر همه ما فرض است که در مقابل این توطئه های کثیف که بیشتر ماهیت عاملان آن را روشن می کند با تمام توان بایستیم و آنها را خنثی کنیم... ضمناً از نهادهای انقلابی و مردمی تقاضا داریم که جهت تسریع در کار جمع آوری محصول کشاورزان عزیز و مستضعف همکاری لازم را مبذول دارند."

حمله عوامل مشکوک به اجتماع بزرگداشت شهدای انفجار بمب

زنوز (آذربایجان شرقی) - عصر روز دوشنبه هشتم تیرماه گروهی از اهالی شهرستان زنوز برای گرامی داشت شهدای انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی دست به راهپیمایی زدند. در این راهپیمایی هواداران سازمان به همراه سایر نیروهای انقلابی فعالانه شرکت داشتند. هنوز راهپیمایان مسافتی را طی نکرده بودند که عدهای نزدیک به ۱۷۰ نفر به صفوف آنان حمله کرده و به ضرب و شتم مردم پرداختند. ابتدا تصور می شد عناصر مهاجم از هواداران بنی صدر و خلق مسلمان هستند اما پس از چند لحظه مشخص شد که ابتکار عمل به دست گروهی از پاسداران اعزامی از شهرستان موند است! افراد اعزامی که تعدادشان به ۲۰ تا ۳۰ نفر می رسید و احتمالاً در میانشان عناصر خلق مسلمان و مشکوک نیز وجود داشت به اجتماعی هجوم آوردند که به دعوت مقامات مسئول و برای بزرگداشت شهیدان برپا شده بود. پس از حمله مهاجمین، عناصر خلق مسلمان و طرفداران بنی صدر نیز به جمع آنها پیوستند و با شعار نامربوط و بی محتوای " فدائی، توده ای، خلق آمده کجائی" به اعمال ضدانقلابی دست زدند. مهاجمین پس از حمله به مردم، عدهای از هواداران سازمان ما و حزب توده ایران را دستگیر کردند و بیش از ۵ نفر را که به شدت مجروح شده بودند همراه خود بردند. پس از این اقدام، یک مغازه تجاری را که تعطیل بود به آتش کشیدند و کتابها و اموال یک کتابفروشی را غارت کردند و تا پاسی از شب به جستجوی خانه ها و پیگرد افراد انقلابی و طرفدار جمهوری اسلامی ادامه دادند. این اقدام بی سابقه و غیرقانونی موجب متشنج شدن شهر و بدبینی مردم نسبت به پاسداران اعزامی از موند و حامیان آنان گردید.

مردم ماهشهر از اقدامات انقلابی سپاه پاسداران حمایت میکنند

ماهشهر - سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ماهشهر و سایر نهادهای انقلابی این شهر که فعالانه در جهت حل مشکلات جنگ زدگان و زحمتکشان حرکت می کنند، چندی پیش عدهای از محترمان و ضدانقلابیون وابسته به رژیم سابق را دستگیر کردند. در میان این افراد ابراهیم بهبهانی، فتودال معروف و همسرش افخم - السادات نقوی رئیس حزب منفور رستاخیز و عضو سابق انجمن شهر، حاج مهدی بهبهانی و منصور دانش (مدیرعامل سابق شیر و خورشید و همکار سرهنگ صفائیان رئیس ساواک ماهشهر) و عدهای دیگر از وابستگان رژیم سابق دیده می شدند. پس از دستگیری این گروه، عوامل آنها به تکاپو افتادند تا با جمع آوری امضاء، اربابان خود را نجات دهند. اما مردم حاضر به پشتیبانی از

دستگیرشدگان نشدند و از اقدام سپاه پاسداران دفاع کردند. زحمتکشان ماهشهر خواهان تداوم اقدامات انقلابی سپاه پاسداران و دیگر نهادهای انقلابی در دستگیری و مصادره زمینها و اموال ضدانقلابیون منطقه می باشند.

عاملین درگیری های ماه گذشته شهر

صنعتی البرز عناصر تحریک شده بود

قزوین - در زمینه رویدادهای شهر صنعتی البرز که در تاریخ ۲۷ خرداد و به دنبال سخنرانی استاندار زنجان به وقوع پیوست، گزارش مفصلی برای ما ارسال شده که در قسمتی از آن آمده است: برخلاف شایعاتی که پاسداران را عامل اصلی درگیریها قلمداد می کرد، باید گفت که عاملین اصلی این درگیری که منجر به شهادت یک کارگر (پیرو خط امام) و مجروح شدن ۱۰ نفر شد، عناصر تحریک شده و گروههای چپرو بودند. آنان به بهانه پشتیبانی از بنی صدر قصد به آشوب کشیدن شهر را داشتند که با مقاومت پاسداران روبرو شدند. با اینکه عناصر تحریک شده فرمانده سپاه پاسداران شهر صنعتی را که قصد آرام کردن اوضاع را داشت به شدت مضروب کردند اما پاسداران متانت انقلابی خود را حفظ کردند. متأسفانه در ادامه درگیریها کار به زد و خورد و تیراندازی انجامید که دامنه آن محدود بود و برخلاف تبلیغات ضدانقلاب از کشتار و قلع و قمع کارگران و مردم خبری نبود!

بقیه از صفحه ۱۷

محاكمه و مجازات...

مدافع آنان باشد و نه حامی یک عده سرمایه دار، فتودال و عناصر مشکوکی که هم اینک فعالانه برای آزادی این ساواکی جانی در منطقه طومار تهیه می کنند و از هیچ حيله و ترفندی باز نمی ایستند.

جمهوری اسلامی باید نشان دهد که نسبت به سمت گیری مردمی خود در قبال مسائل کردستان که آغاز به جوانه زدن کرده است، پای بند است و تصمیم دارد در راه رسیدن به هدفهای مردمی و ضد امپریالیستی خود علیه هر جریان و شخصی، در هر مقام و موقعیتی که باشد، قاطعانه بایستد.

دولت باید اثبات کند که مصمم است که با احقاق حقوق مردم کردستان، مشکل کردستان را به نحو مسالمت آمیز حل کرده و در راه تحکیم وحدت خلقهای ایران در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و ضدانقلاب داخلی گامهای استوار و برگشتناپذیر به پیش بردارد.

مسلح کردن توده ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

افزایش بمب‌گذاری نمونه‌ای از تلاش جنایتکارانه امپریالیسم برای ایجاد ناآرامی

در مین ماست

ترور شخصیت‌ها و بمب‌گذاری سیاستی نیست که امپریالیسم آمریکا اخیراً به آن متوسل شده‌است. تروریسم تاکتیک شناخته شده امپریالیسم جهانی است. آنچه که ما امروز شاهد آن هستیم گسترش بی‌سابقه این عملیات تروریستی و بمب‌گذاری‌های وسیع در اماکن مقدس و معابر عمومی و مقر نهادهای انقلابی است. انقلاب ما بعد از پیروزی تاکنون شاهد ترور و بمب‌گذاری از جانب مزدوران آمریکا و ضدانقلاب داخلی بوده‌است. کشف بمب در خیابان شورا، در منطقه نیروی هوایی، در محل تجمع نمازگزاران در "ارومیه"، در یکی از اماکن عمومی اصفهان (کوچه اعمه اطهار) در کارخانه شیرپاستوریزه، در کانون توحیدی و برخی مناطق دیگر، انفجار بمب در میدان امام حسین و غیره نشانه تلاش امپریالیسم و نوکران آن در تشدید تشنجات و ایجاد ناآرامی در مین ماست. شکست‌های پی‌درپی امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی، امپریالیسم را به چنان وضعی انداخته که به گسترش تروریسم و بمب‌گذاری متوسل شود. اگرمروری کوتاه بر تاریخ ۲ سال و نیم بعد از انقلاب بکنیم در خواهیم یافت که امپریالیسم آمریکا، سرمایه‌داران شکست خورده، علیرغم تلاش‌های مداوم و به کارگیری تاکتیک‌های گوناگون و ترندهای رنگ و وارنگ از سرنگونی رژیم شاه تا به زیر کشیده شدن ابوالحسن بنی‌صدر به طور مرتب از مردم انقلابی میهنمان شکست خورده‌است. آنها تا دیروز برای به سرکار

آوردن دولت مابنه زروم عقول خود به جریانی که در راس آن بنی‌صدر بود امیدوار بودند و سعی می‌کردند تا با دامن زدن به توهنات الهیانه آقای بنی‌صدر در مورد نفوذ او را برای تسخیر قدرت مهیا کنند و او تا بدانجا پیش برود که تمامی نهادهای انقلابی را مورد تعرض قرار داده و با اعلام رفراندوم آنها را از مشروعیت بیدازد. ولی بعد از حمله قاطعانه و برق‌آسای رهبر انقلاب و در هم شکسته شدن شبکه‌های توطئه‌های امپریالیستی توسط نهادهای انقلابی و مردم قهرمان امپریالیسم این امید را از دست داد. امپریالیسم با به زیر کشیده شدن ابوالحسن، شخصی که در زمان ریاست جمهوری‌اش شعار مرگ بر آمریکا می‌رفت که به فراموشی سپرده شود، دریافت که این دور نیز توطئه‌ها و تاکتیک‌هایش علیه انقلاب و جمهوری اسلامی شکست خورده‌است. و بخصوص وقتی که با صفوف ده‌ها میلیونی و متحد مردم و نیروهای انقلابی مواجه شد شکست خود را عمیق‌تر دریافت و ناامیدانه و مذبحانه و وحشیانه به گسترش تروریسم و بمب‌گذاری وسیع روی آورد. امپریالیسم این‌گونه تبلیغ می‌کند که گویا درگیری‌های وسیع داخلی در ایران امری حتمی است و مذبحانه تلاش دارد با ترور شخصیت‌ها و بمب‌گذاری هرچه بیشتر جو را متشنج و ناآرام و خشونت آمیز جلوه دهد. البته آنها مدت‌هاست که در آرزوی درگیری‌های وسیع داخلی هستند و حتی اظهار نظر کرده بودند که در صورت

درگیری داخلی جاب طرفداران آمریکا که در راسشان آقای بنی‌صدر قرار گرفته بود خواهند گرفت. امپریالیسم آمریکا از دست زدن به این اعمال وحشیانه و تبلیغ تروریسم و خشونت تنها ایجاد ناامنی، دامن زدن به خشونت، دامن زدن به توهم درگیری‌های وسیع نیروهای داخلی را دنبال نمی‌کند. او سعی می‌کند با انجام عملیات و تبلیغ زهرآگینی این‌گونه وانمود کند که گویا این گروه‌های داخلی هستند که دست به این عملیات وحشیانه می‌زنند تا بتواند لبه تیز حمله را که متوجه مزدوران خود بود برگرداند تا بتواند تضادهای میان حکومت و نیروهای مجاهدین و دیگر گروه‌ها را تشدید کند تا بتواند اثبات کند که هرگونه راه مسالمت‌آمیز از طرف دولت جمهوری اسلامی منتفی است. و اما آنچه که به امپریالیسم اجازه می‌دهد این چنین راحت و آسان با دست زدن به عملیات تروریستی و بمب‌گذاری سیاست وحشیانه خود را پیش ببرد و ذهن مردم و نیروهای انقلابی درون حکومت را مخدوش سازد، به توهنات دامن زدن، قبل از هرچیز سیاست به‌غایت انحرافی و آنارشستی، رهبران سازمان مجاهدین خلق است. رهبری سازمان مجاهدین که به دام سیاست آمریکا افتاده‌اند و آشکارا زیر پرچم بنی‌صدر، در کنار سلطنت طلبان و جبهه ملی قرار گرفتند، و دچار این توهم شدند که گویا ۱۱ میلیون رای ابوالحسن همه چیز را مهیا ساخته و زمان، زمان جرقه است که حریق برخیزد، سبک مغزانه بی‌آنکه ذره‌ای به سرنوشت انقلاب بیندیشند و یا نه حداقل به سرنوشت نیروهای جوان و محصل و

● با به زیر کشیده شدن بنی‌صدر، امپریالیسم آمریکا نومیدانه و مذبحانه و وحشیانه به گسترش تروریسم و بمب‌گذاری وسیع روی آورده‌است.

بی‌تجربه خود فکر کند با اعلام سیاست آمریکا خوشحال کن خود. در یک اعلامیه دست آمریکا را در پیش‌برد اهداف خود باز گذاشتند. راستی آمریکا می‌توانست ستر مناسب‌تر از سیاست رهبران مجاهدین خلق برای پیشبرد اهداف جنایتکارانه خود پیدا کند. و آیا چیزی خوشحال‌کننده تر از این اعمال رهبران مجاهدین

بی‌تجربه خود فکر کند با اعلام سیاست آمریکا خوشحال کن خود. در یک اعلامیه دست آمریکا را در پیش‌برد اهداف خود باز گذاشتند. راستی آمریکا می‌توانست ستر مناسب‌تر از سیاست رهبران مجاهدین خلق برای پیشبرد اهداف جنایتکارانه خود پیدا کند. و آیا چیزی خوشحال‌کننده تر از این اعمال رهبران مجاهدین

اعلام جرم سازمان

- قویا محکوم می‌کنیم زیرا:
- ۱- بی‌اعتنائی آشکار و عریان نسبت به قانون و خودسری محض و پشت کردن به فرمان امام است.
 - ۲- اعدام یعقوب یزدانی که مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی و هوادار اکثریت بوده‌است، به سود تبلیغات گروه‌های چپ‌رو و منحرف و بلندگوهای امپریالیست‌هاست.
 - ۳- عدم امنیت، اضطراب و محیط ترور و وحشت را بیش از پیش دامن می‌زند و مردم را نسبت به صلاحیت دادگاه‌ها و احکام آنان بی‌اعتماد و بدبین می‌سازد.
 - ۴- ریاکارانه و به‌دروغ گفته‌اند که یعقوب وابسته به "اقلیت" بوده‌است.
 - ۵- این حکم خلاف سیاست و روش جاری دادگاه‌های انقلاب در سراسر کشور است. به دلایل فوق علیه این اقدام دادگاه انقلاب اسلامی به‌شهر و مسببین و محرکین صدور این حکم اعلام جرم می‌کنیم. سازمان ما طی نامه‌ای مراتب فوق را با جزئیات امر برای دادستانی انقلاب اسلامی کشور ارسال داشته و تقاضای رسیدگی جدی و عاجل نموده‌است. یکبار دیگر نسبت به روش انتقام‌جویانه و سراسیمه و قانون‌شکنانه مسئولین دادگاه به‌شهر که دستور بازداشت تمام هواداران سازمان را در به‌شهر صادر کرده‌اند و عواقب این‌نوع اقدامات به مقامات مسئول جمهوری اسلامی هشدار می‌دهیم و از آنان می‌خواهیم که با مداخله قانونی خود جان هواداران بازداشت‌شده در دادگاه به‌شهر را از تهدید برهانند و بیش از این اجازه ندهند حیثیت و اعتبار این جمهوری لکه‌دار گردد.
- شرح حال و مبارزات رفیق شهید یعقوب یزدانی را در شماره‌های بعد منتشر خواهیم کرد.

بکشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهنمان را
علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

سالروز قیام ملی ۳۰ تیرگرمی باد

در صفحه ۱۲

با اتحاد و حضور یکپارچه مردم در صحنه
می توان هر توطئه امپریالیستی
را درهم شکست!

استقبال از اطلاعیه ستاد مرکزی
کمیته های انقلاب
پابندی به مصالح
انقلاب است

روابط عمومی ستاد مرکزی کمیته انقلاب اسلامی طی اطلاعیه ای از کلیه کسانی که در خانه اسلحه و یا مهمات نگهداری می کنند، خواست که اسلحه و مهمات خود را به سپاه پاسداران و کمیته ها تحویل دهند.

صدور این اطلاعیه برای هموار کردن راه تثبیت قانون و تامین شرایط ضروری برای فعالیت علنی و قانونی همه نیروهای ضدامپریالیست و مردمی و خنثی ساختن توطئه امپریالیسم آمریکا در زمینه گسترش جو خشونت و تروریسم، گام مثبتی است که می باید مورد استقبال قرار گیرد. متن کامل اطلاعیه به شرح زیر است:

بسمه تعالی

بدین وسیله به اطلاع هموطنان عزیز می رساند که کلیه کسانی که در خانه اسلحه و یا مهمات نگهداری می کنند می توانند در تهران و شهرستانها با مراجعه به مراکز کمیته ها و سپاه پاسداران اسلحه خود را تحویل دهند. لازم به یادآوری است که در هنگام تحویل اسلحه به جز تشکر از همکاریشان هیچگونه بازخواست و یا پرسشی از آنان به عمل نخواهد آمد.

روابط عمومی ستاد
مرکزی کمیته انقلاب اسلامی

افزایش بمب گذاری نمونه ای از تلاش
جنایتکارانه امپریالیسم برای ایجاد نا آرامی

در میهن ما است

● با به زیر کشیده شدن بنی صدر، امپریالیسم آمریکا نومیدانه و مذبوحانه و وحشیانه به گسترش تروریسم و بمب گذاری وسیع روی آورده است.

در صفحه ۱۹

موج تظاهرات مردم
انگیس بایه های نظام
سرمایه داری را مورد
حمله قرار داده است

در صفحه ۱۱

نقنگران خواهان لغو ماده ۱۴ لایحه شورائی
و تثبیت حقوق شورائی خویش هستند

در صفحه ۵

درگرد همائی شوراهای
روستائی تربت جام دهقانان

خواستار اجرای بند ج و د

شدند

در صفحه ۸

● در انتخابات ریاست جمهوری
به آقای رجائی رأی می دهیم

● در انتخابات میاندوره ای مجلس

فعالانه شرکت کنیم

سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت"
چهارشنبه ۲۴ تیر ۱۳۶۰

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر